

«۸»، از جنگ تحمیلی تا فقدان «تو»؛
«همیشه رفیق»

برای «ناصر خان» که هنوز هم بهترین است؛
یک نفر باید باشد...

در باب فقدان ۸ ساله یک پاور و دوست؛
مرده آتست که نامش
به نکویی نبرند...

ویسره هشتمین سالروز
آسمانی شدن استاد
«ناصر احمدپور»

برای «ناصر خان»، که ۸ سال از پرواز ابدی اش می گذرد؛
هیولا از نمای دور، سیندرلا در نمای نزدیک!

به بهانه ۸ آرمادماه؛
روزی که ناصر خان آسمانی شد!

گفت وگویی که هیچ وقت منتشر نشد؛
نقل مصاحبت در کنار «ناصر خان»
و در منزل «ناصر خان»



فرا رسیدن ماه محرم و ایام شهادت سرور و سالار
شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و هفتاد
و دو تن از یاران مخلص و جان بر کف آن حضرت
را به ساحت مقدس حضرت بقیه الله الاعظم
ارواحنا له الفدا و تمام عاشقان و مریدان
آن حضرت تسلیت و تعزیت باد



لیست جدید تیم ملی والیبال
و برطرف سازی ضعف خط دفاعی؛
تقویت و تجدید قوا

الزامی حیاتی؛
اتحاد مزدوج شورا
و شهردار

شماره ۱۰۷۵
شنبه ۸ مرداد ۱۴۰۱
روزنامه
دنیایک سو امدار
قیمت: ۳۰۰۰ تومان

سناریویی مضحک؛
«تاج» و قلبی که در سودای
ریاست مجدد، شفا یافت!

لشکر کشی «ویج»، هادر حمایت از
«اسکوچیچ»؛
فراموشکار شدی پیر مرد؟!!



حقوق و قضا

جزئیات کارسازی ۲ باند بزرگ برای فرار مالیاتی ۲۰ هزار میلیارد تومانی؛

پای ۵۰۰ شرکت کاغذی در میان است

«تسنیم» نوشت: اخیراً رئیس کل دادگستری البرز ضمن تشریح جزئیات فعالیت یک شبکه ثبت شرکت‌های صوری منتهی به فرار مالیاتی به مبلغ ۹ هزار میلیارد تومان در استان های البرز و تهران، خبر داده است. بر این اساس فعالیت باند مذکور از دهه ۸۰ شمسی آغاز شده و در سال‌های اخیر با الکترونیکی شدن وکالتنامه‌ها، تا حد زیادی راه این نوع سوءاستفاده‌ها بسته شده اما همچنان خطر گرفتاری‌های قانونی و سوءاستفاده‌های مختلفی از وکلای جوان در این موسسات حقوقی غیرمجاز وجود دارد که نباید از آنها غفلت کرد.

مهم اصلی پرونده با همکاری سایر اعضای باند، اقدام به شناسایی اشخاص با وضعیت اقتصادی ضعیف می‌کرد و سپس با پرداخت مبلغ اندکی اقدام به اخذ مدارک شناسایی و هویتی آن‌ها نموده و با جعل گواهی عدم سوء پیشینه و سایر مدارک لازم، اقدام به ثبت شرکت به نام این افراد می‌کرد. روش ثبت شرکت بدین صورت بوده است که سرکرده شبکه با مراجعه به موسسات حقوقی ثبت شرکت‌ها و تئانی با مدیران آن موسسات، که معمولاً از کارآموزان وکالت جهت پیگیری امور مربوط به ثبت شرکت‌ها استفاده می‌کنند، وکالتنامه‌های سفید امضاء و فرم‌های هم وکالتنامه‌های خام و بدون امضاء صادر کرده و با هدف تنظیم وکالتنامه به منظور ثبت شرکت‌های صوری، اخذ و اقدام به تکمیل قراردادهای وکالت با درج مشخصات افرادی که با پرداخت وجه، مدارک شناسایی آنها را قبلاً اخذ نموده بودند به همراه جعل امضاء آنها به عنوان موکل می‌کردند. این وکلا بدون احراز هویت موکلین، صحت امضای آنها را تایید می‌کردند. این باند سپس با تنظیم اجاره‌نامه‌های مجعول که ضمن تئانی با برخی مشاورین املاک تهیه می‌شده، محلی غیرواقعی را به عنوان محل استقرار و اقامتگاه قانونی شرکت معرفی و نهایتاً شرکت‌های صوری به نام افراد بی اطلاع ثبت می‌شد. برای ۱۳۶ متهم پرونده به اتهام تشکیل و عضویت در شبکه جعل، استفاده از اسناد مجعول، رشوه و ارتشاء کیفرخواست صادر شده که ۵ نفر از مدیران موسسات حقوقی مربوط به ثبت شرکت‌ها و ۹ نفر وکیل دادگستری در میان این افراد هستند.

مهم اصلی این پرونده و سرکرده آن، شخصی عادی و از نظر وضعیت اقتصادی ضعیف بوده است. وی از سال ۱۳۸۸ و پس از آشنایی با نحوه ثبت شرکت‌ها، در ابتدا به نام خود با بستگان نزدیک، چند شرکت ثبت و به فروش می‌رساند، سپس با توجه به درآمدزایی این روش، اقدام به تشکیل باند و سازماندهی آن می‌کند به نحوی که پس از چند سال فعالیت، شبکه‌ای متشکل از ۱۳۶ نفر متهم شامل کارکنان ادارات امور مالیاتی، مدیران موسسات حقوقی، وکلا، مشاوران املاک و افراد عادی جهت ثبت شرکت‌های کاغذی به قصد واگذاری و فروش آنها به اشخاص حقیقی و حقوقی را تشکیل می‌دهد. متهم اقدام به شناسایی اشخاص با وضعیت اقتصادی ضعیف و کم‌درآمد جامعه در شهرهای تهران، کرج، ساوجبلاغ و نظرآباد می‌کرد. پس از شناسایی این افراد، با پرداخت مبالغی بین ۲ تا ۶ میلیون تومان، اقدام به اخذ مدارک شناسایی و هویتی آن‌ها نموده و با جعل گواهی عدم سوء پیشینه و سایر مدارک لازم، اقدام به ثبت شرکت به نام این افراد می‌کرد.

عموماً کارت‌های بازرگانی به اشخاص حقوقی و حقیقی فعال در امر تجارت در قبایل اخذ مبلغ ۲۰ تا ۱۴۰ میلیون تومان واگذار می‌شد و اشخاص خریداری کننده کارت‌های بازرگانی با استفاده از ضعف سیستم‌های مالیاتی، فعالیت تجاری خود را به نام این شرکت‌های صوری و کاغذی ثبت و از این طریق اقدام به فرار مالیاتی می‌کردند؛ اعضای این شبکه در مجموعه‌ای از طریق فروش ۱۹۸ شرکت کاغذی، مبلغ ۵ میلیارد و ۱۵ میلیون تومان وجه از طریق نامشروع تحصیل کرده‌اند. از طرف دیگر اخیراً وزارت اطلاعات نیز اعلام کرده است، باند ۱۳۹ نفره طی سال‌های اخیر در استان‌های تهران و البرز، با سوءاستفاده از مدارک هویتی افراد مستمند و معتادان بی‌خانمان و از راه جعل گسترده و حرفه‌ای اسناد شخصی و دولتی، اقدام به ثبت شرکت‌های صوری می‌کردند و در مرحله بعدی نیز با جعل اسناد و مهرهای مورد نیاز، اقدام به تأسیس ۲۶۷ شرکت کاغذی کرده بودند. تبهکاران مذکور سپس با سوءاستفاده از کارت‌های بازرگانی افراد دیگر و فروش فاکتورهای صوری به برخی مؤدیان، درآمد‌های نامشروع خود را پنهان می‌کردند. متهمین مورد بحث، علاوه بر اقدامات مجرمانه‌ای پیش گفته، مبادرت به فرار مالیاتی یازده هزار میلیارد تومانی نیز کرده بودند که به‌رغم بکارگیری شیوه‌های کاملاً پیچیده، اما با عنایات الهی و پی‌گیری‌های هوشمندانه، فشرده و چند ماهی اطلاعاتی، مورد شناسایی و بازداشت قرار گرفته و پس از تکمیل تحقیقات و جمع‌آوری مستندات، پرونده به همراه کلیه متهمین در اختیار مقام قضائی قرار گرفت.



دنیای هوادار یاد و خاطره شهدا بویژه «حسین اسکندری» از لشکر ۱۰ سیدالشهداء علیه‌السلام که در فکه به مقام شامخ شهادت نائل گشت را گرامی می‌دارد

خبر

سرمقاله

در باب بستری سیاسی و قانونی که منظم نیست؛

«سیل» و معضل آشفته‌گی در سیاست‌گذاری



سارا نصراتی

«وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا» (سوره انبیاء آیه ۳۰) «و به وسیله آب هر موجودی را زنده نگه داشتیم.» اما اگر می‌بینیم این آب باران تبدیل به سیل ویرانگر می‌شود، این به مدیریت غلط ما برمی‌گردد. متأسفانه موضوع سیل و مدیریت و کاهش خسارات آن در کشور ما مورد توجه جدی قرار نگرفته و فقط زمانی که سیلاب مخربی جاری می‌شود و فاجعه‌ای بوجود می‌آید توجه مسئولین و متخصصین به آن جلب می‌گردد. سیل یک پدیده طبیعی است و حتی خرابی‌های ناشی از آن هم تا حدی طبیعی است اما عواملی باعث می‌شود که ویرانی‌های ناشی از سیل‌ها گسترده تر شود.

سیلاب‌ها از گذشته تاکنون رخ می‌دهند، اما میزان دخالت‌های انسان در شدت وقوع سیل‌ها، تخریب‌ها و طغیان رودخانه‌ها تاثیر مستقیمی داشته است؛ مطمئناً مهمترین عوامل موثر بر وقوع سیل عوامل غیر طبیعی از قبیل بی‌توجهی به ضوابط و دستورالعمل‌های فنی، قانونی و حرفه‌ای در طراحی دخل و تصرف غیرمجاز در بستر و حریم رودخانه، تخریب پوشش گیاهی، اشغال حریم مجازی آب، تغییر کاربری، تخریب جنگل‌ها و مراتع، فرسایش خاک و... است که توسط خودمان ایجاد شده است. اما آنچه خرابی بیشتری به بار می‌آورد گل‌آلودگی سیل است، نه حجم سیل. در مورد چرایی گل‌آلودگی سیلاب‌های ایران می‌توان گفت در اثر فرسایش خاک سیل گل‌آلود می‌شود. این فرسایش هم نتیجه تخریب اراضی بالادست رودخانه‌ها، نابودی جنگل‌ها، ساحل‌سازی و تخریب حواشی رودخانه‌ها به دلیل ساخت‌وسازهای غیر مجاز است. متأسفانه در کشور ما به همین دلیل خاک فرسایش یافته و با جریان آب شسته می‌شود و به حرکت در می‌آید و باعث گل‌آلودگی سیل می‌شود.

تحلیل دقیق علل وقوع سیل در کشور و سهم دقیق هر عامل را باید به تدوین گزارش ملی و کارشناسی سپرد اما به پشتوانه تجاری که در حوزه سیاست‌گذاری وجود دارد باید از اتخاذ نگاه تقلیل‌گرایانه و سیاست‌زده به سیل و سهم عوامل متعدد دخیل در آن پرهیز شود، از حواله‌کردن علت سیل به عامل خارج از کنترل همچون تغییر اقلیم پرهیز شود، چرا که وظیفه ما قابلیت سازگاری با عوامل متغیر و جدید سیاستی است و نباید عاملی برای بی‌توجهی به عوامل انسان‌ساز و درونی خسارت‌های سیل شود. همین‌طور در مرحله بازسازی نگاه اصلاح‌گرایانه را جایگزین پاسخ‌های کوتاه‌مدت کنیم، بسیاری از شهرهایی که اکنون باید بازسازی شوند نیاز دارند که در باز طراحی فضاهای شهری و روستایی، با توجه به قوانین طبیعی، مورد

اصلاح‌گری این فضا سازی‌ها قرار گیرند. در رابطه با نحوه مدیریت سیلاب استفاده از آبخوان‌داری و پخش سیلاب بر آبخوان حتماً باید مورد توجه قرار گیرد چون سدسازی تنها راه کنترل آب‌های سطحی نیست. با تمام این‌ها نباید فراموش کنیم که در وهله اول باید یک حرکت عمومی ایجاد شود همان‌که از آن به‌عنوان اصل پنجاهم قانون اساسی یاد می‌کنیم که حفظ محیط‌زیست وظیفه همگانی است، البته تکالیفی نیز بر عهده دولت است که در آمایش سرزمین و مسائل مختلف بر رعایت این اصول تاکید کنند.

تحلیل دقیق علل وقوع سیل در کشور و سهم دقیق هر عامل را باید به تدوین گزارش ملی و کارشناسی سپرد اما به پشتوانه تجاری که در حوزه سیاست‌گذاری وجود دارد باید از اتخاذ نگاه تقلیل‌گرایانه و سیاست‌زده به سیل و سهم عوامل متعدد دخیل در آن پرهیز شود

در چند روز اخیر باران‌های به نسبت شدید بار دیگر هم به سیل‌های خسارت‌بار و مرگباری تبدیل شدند تا نگرانی‌ها نسبت به آسیب‌پذیری ایران نسبت به سیل به شدت افزایش پیدا کند. بستر سیاسی و قانونی برای مواجهه با سیل در ایران وجود دارد ولی منظم نیست و به نوعی همگرایی محصول این بستر نیست. یک بی‌نظمی در تصمیم‌گیری‌ها وجود دارد به عبارت دیگر آشفته‌گی در سیاست‌گذاری و عدم هماهنگی بین ارگان‌ها قابل مشاهده است. مدیریت سیلاب نیازمند هماهنگی مراکز متعدد اجرایی است. در ایران وزارت نیرو، سازمان جنگل‌ها

و مراتع و شهرداری‌ها در این زمینه دخیل هستند. عدم هماهنگی بین مسئولین و سیاست‌های متناقض عامل مهمی است که در سیل اخیر خود را به وضوح نشان داد. خیانت در مسئولیت این است که کسی توانایی پست و سمتی را نداشته باشد ولی با لابی‌گری درصد اخذ مسئولیت باشد، بی‌تردید خائن است و به مردم خیانت کرده است، در صورتی که رهبر معظم انقلاب فرمودند باید مدیران دلسوز و روحیه جهادی داشته باشند و به فکر خدمت به مردم، نظام و کشور باشند. طبیعی است برای تحقق چنین امری برنامه‌ریزی مسئولان دولتی و عملکرد استانداران در استان‌ها بسیار حائز اهمیت است و آنان باید برای تحقق منویات رهبر خردمند و فرزانه‌مان تمام تلاش خود را به کار گیرند.

مدیریت سیلاب در کشورهایی پیشرفته شامل مجموعه‌ای از رهیافت‌ها، ابزار، مدل‌ها، الگوها و سیستم‌های اطلاعاتی است و توسط مدیریت یکپارچه بطور مستمر کنترل و پایش می‌شوند. زمانی که برنامه نداشته باشیم یک پدیده ساده می‌تواند به یک‌حادثه تبدیل شود. برای داشتن برنامه در چنین پدیده‌ای باید چند بخشی عمل کرد یعنی بین علم و اقدام با سیاست‌گذاری درست، پلی و ارتباطی منطقی و مطلوب ایجاد کرد و متأسفانه این پل هنوز ساخته نشده و مورد توجه قرار نگرفته است به همین جهت می‌بینیم که کارایی لازم را نداریم. چون تاثیرگذاری جامعه علمی در این زمینه مشهود نیست. سیاست‌گذاری یعنی ایجاد فضا و توافق داخلی در جامعه؛ به عبارت دیگر توافق ملت و دولت، وحدت نظر برای رسیدن به نقطه‌ای در آینده است. یعنی بدانیم که الان کجا هستیم؟ به کجا می‌خواهیم برویم؟ از کدام مسیر برویم؟ چگونه برویم؟ چه ابزاری نیاز داریم؟ برای پاسخ به این سوالات باید سیل را معنا کنیم. آیا سیل یک پدیده طبیعی است که در طبیعت اتفاق می‌افتد یا اینکه یک حادثه است با خسارت بالا؟!

یک پژوهشگر تاریخ مدیریت شهری، پاسخ داد؛

کدام شهرداران تهران بعد از سیل مجبور به استعفاء شدند؟

دادند. حبیبی شهردار وقت تهران در سال ۶۶ مجبور به استعفاء شد. جواد شهرستانی شهردار اسبق تهران پس از سیل سال ۴۸ استعفاء داد. خود شهردار آستین‌ها را بالا زده بود و راه آب را باز می‌کرد و وقتی حجم مشکلات را دید مجبور به استعفاء شد. همیشه سیل در تهران را ریسک مدیریت شهری همراه است.

یکی از مناطق بسیار پربارش تهران از دیرباز بوده و باید شهرداری تهران پیش‌بینی می‌کرد که بحران روان‌آب‌ها را مدیریت کند. متأسفانه ظاهراً مسیله‌ها در آن منطقه مسدود شده و با بارش زیادی که در بامداد روز پنجشنبه داشتیم این همه خسارات جانی و مالی به مردم وارد شد. او تصریح کرد: بارها دیده ایم مدیران شهر تهران به خاطر سیلاب استعفا

یک پژوهشگر تاریخ تهران معتقد است سیلاب‌های مرگبار در تهران، بیشتر در فصل تابستان اتفاق افتاده و دلیل اصلی آن هم ساخت و ساز در رودخانه‌های اصلی تهران است. حمید نصری - پژوهشگر تاریخ مدیریت شهری و تهران‌شناس - به «خبرآنلاین» گفت: منطقه امامزاده داود جزء منطقه کن و سولقان است که

نقل قول

رئیس جمهور با توجه به بارش های پیش رو و احتمال سرریز شدن سدها و آب بندها، استانداران سراسر کشور و دستگاه‌های مرتبط را موظف کرد اقدامات و تدابیر لازم را برای پیشگیری از بروز خسارات در دستور کار قرار دهند. آیت الله «سید ابراهیم رئیسی» به وزراء، روسای سازمان ها و استانداران سراسر کشور دستور داد تمام امکانات خود را برای مواجهه با سیل بسیج کنند.



یادداشت

در باب فقدان ۸ سالهٔ یک یاور و دوست؛

مرده آنست که نامش به نکویی نبرند...

محمود کاظمی‌زاده/ «هشتم مرداد» هر سال یادآور کوچ ابدی مردی‌ست که هرگز در زندگی به غیر از حق و عدالت کردن خم نکرد و هرگز عزت و حرمت قلم را به زر و زور نفروخت. مردی که از جنوبی‌ترین نقطهٔ استان تهران یعنی شهرستان اسلامشهر با ورزش این شهر خودش را به دنیای ورزش معرفی نمود و در سایهٔ تلاش و درایت و همفکری با دیگر خادمان ورزش اسلامشهر همچون شادروان «خلیل پور»، «خوش‌اندام»، «احسانی»، «نوری‌اعتماد»، «سمیع‌نیا»، «دکتر رفعتی» و... بنای ادارهٔ تربیت‌بدنی را در دههٔ شصت بنا نهاد و سپس با ساماندهی ورزش اسلامشهر زمینهٔ رشد و ظهور جوانان جوانی نام را ایجاد نمود و بعد از آن هیأت فوتبال را بنا نهاد و لیگی منسجم را در این شهرستان با جوانان مستعد آغاز کرد تا شاهد شکوفایی هر چه بیشتر جوانان این منطقه باشیم. در ابتدای دههٔ هفتاد روح نارام و خستگی‌ناپذیری برای خدمت بیشتر از اسلامشهر جدایش کرد و رو به عرصهٔ روزنامه‌نگاری که عاشق آن بود آورد و به چنان شهرت و خوش‌نامی زبازدی در این حوزه رسید که در حضور خیلی از بزرگان حرف اول را در عرصهٔ قلم زد. او هیچ‌گاه نه تملق کسی را گفت و نه برای خوش‌آمد دیگران دست به قلم برد. آری... ناصر احمدپور مردی که افتخار چهل‌سال دوستی با ایشان را داشته چنان با قدرت در عرصهٔ مطبوعات قلم‌فرسایی کرد و شاگردان پاکدستی تربیت کرد که تا سالیان متمادی رقیبی برای ایشان نخواهد آمد. ناصر جان تو به قلم، دوستان و شاگردانت قیمت و درس آزادگی دادی و ما همیشه خودمان را مدیون شما می‌دانیم و با تمام وجود تلاش می‌کنیم درسی که از تو آموختیم بی‌کم‌وکاست در جامعه ترویج نماییم و در همین راستا در طول ۸ سال بدون حضور شما، دوست عزیزمان «مهرداد تیموری»، این یار وفادار در روزنامهٔ «دنیای هوادار» با انتشار ۱۰۷۵ شماره، پرچم شما را برافراشته و ذریهٔ هم از بیان حقیقت کوتاه نیامده است و این حقیر هم که امروز در لیگ دوی فوتبال کوشش برای شهرمان اسلامشهر عزیز، تیمداری می‌کنم بیش از همیشه نبودم را احساس کرده و می‌دانم اگر تو بودی، الان در اوج به‌سر می‌دیدیم. ناصر جان... در سالگرد آسمانی‌شدنت روح شاد و یادت گرمی‌یاد برادر عزیزم.

یادداشت سردبیر

برای «ناصرخان»، که ۸ سال از پرواز ابدی‌اش می‌گذرد؛ هیولا از نمای دور، سیندرلا در نمای نزدیک!

همواره در طول این سال‌ها در دست‌گرفتن و به حرکت درآوردنش انگیزه‌ای نیروبخش و محرک بالا برلیم به حساب می‌آمده؛ «قلم» را می‌گویم البته نه آن قلمی که فیش‌وار و یا گینه‌ای نوشتاری پشت «ماشین تایپ کهنه» و یا شکل کلاسیک دیگرش، صرفاً «یا قلم و روی کاغذ سفید و کاهی» بلب شده و سال‌ها نقل آن رفته است؛ قلمی که من از همان ابتدای راه «دسال پیش» که نوشتن را بصورت جدی آغاز کردم، تا به امروز همواره با تاکید و عادت پر «تایپ» بوده که یکی از ویژگی‌های بارز و ظاهری نسل من است. هرچند که معتقدم که تفاوت چشمگیری هم با بکنیدگر ندارند، هر فرد که چیزی بنویسد و نوشته‌اش برآمده از «فکر» باشد صاحب سخن است؛ حال به هر روشی که باشد... اما نگارش از جایی برای من جدی‌تر شد که بواسطهٔ علاقهٔ افسارگسیخته‌ام به «فوتبال» و «آشنایی، رفات و همکاری‌های پدرم با رسانه‌های ورزشی و نتایج‌ناپذیر شدن خوبی تازه در رگ‌های رسانه‌های داخلی در روزنامه‌هایی نظیر «خبر ورزشی»، «نود» و بعدها «البرز ورزشی» و «هوادر» که جملگی آن‌ها را زندانم ناصر احمدپور» به اوج رسانده بود. سروشکل تازه و جدی‌تری به خود گرفت. ویژگی‌های درست، عقب‌ان است که در وقتی به پییده، فرد یا جریانی نزدیک نشوی و از کلژاپی با آن‌ها وارد دیالوگ نشوی. لمسشان نکنی، نبینی‌شان، نمی‌توانی به نتیجهٔ دقیق و درستی از کلیت آن‌ها معرفت و شمایلی آن‌ها برسی. این مسئله در مورد «ناصرخان» هم صادق بودایی‌شک او تنها کسی است که چنین عنوانی را کنار نامش می‌گذارم؛ پیش از آنکه از نزدیک با شخصیت شیوهٔ کاری و مرام مسلک او آشنا شوم، با توجه به «شنیده‌های صرف» که تمامی‌شان برآمده از قضاوت‌های سطحی و درادبر و البته فست‌فودی بود توقع مواجه‌شدن با یک غول و مافیای عجیب و غریب و ترسناکی داشتم که از قضا پشت آن چهرهٔ جدی و مصمم و عینک همیشگی‌اش، بداحلق و بددهن هم تشریف دارد و خیلی هنر کنی و خودت را توی دلش جا کنی (تازه اگر بتوانی) که به زور جواب سلامت را بدهد! اما همهٔ این افسانه‌ها و خیال‌پردازی‌های دروغین تنها با یک دیدار ساده نقش یاخته او را «عمیقا» و در کتبه لفظت مهروان و ساده ریاضت اهل معاشات، تعارف‌راج و مرسوم نبود و «صراحت‌الچی» که از بارزترین ویژگی‌هایش بود و به آن شناخته می‌شد، در روابط دوستانه و همکاری‌اش هم عیان بود. به یاد دارم که روزگاری پنجمان دور در آخرین روزنامهٔ پیمان‌گل گناشته‌اش، «هوادر»، که این «دنیای هوادار» هم تنها به‌رسم ادای دین به او آغاز بکار کرده و همچنان فعالیتش را ادامه می‌دهد، بخش بسیار کوچکی از امور آن روزنامه یعنی «تایپ» یادداشت‌های روزانه‌اش را در برهه‌ای کوتاه به‌عهده گرفتیم و یکی از روزها در میان ترافیک کاری نوشتاری‌اش هم درخصوص «مصائب منجسترس‌پسازگوسن» نوشتیم که با استقبال غیرمنتظره‌ای و دیگر هم‌تایش زندانم «عباس عبدالملکی» و معاون سردبیر وقت «مهدی هژبری» عزیز قرار گرفت و از قضا در همان شمارهٔ فردایش هم کار شد... یادش بخیر! هیچ‌یاد نمی‌رود که نخستین دست‌مزد در حیطهٔ نوشتن را هم از خود ناصرخان گرفتیم. روزی که در کمال تعجب، منی که اصلا قرار نبود در بحث کارمندی (از حیث دریافت حقوق) در آنجا کار کنم و صرفاً برای کمک در تایپ و روی صفحه‌آوردن دست‌خط‌های و دستنکات و غریب آن دو مرحوم (ناصرخان و عباس آقا) وارد کار شده بودم، به رسمیت شناخته شده بودم. می‌دانی، مسئله اصلاً «پول» نبود. چیزی که ارزشمند بود فراتر از بحث مالیات بود. او به یک نیروی جوان انگیزه‌ای جدی بخشیده بود و به من فهمانده بود که «تو برای ما ارزشمندی»؛ و این خود بزرگترین نیروی محرک جهت تحریک قوای روحی و روانی یک نویسنده است... روحش شاد و یادش جاودان.

یادداشت مدیرمسئول

«۸»، از جنگ تحمیلی تا فقدان «تو»؛ «همیشه رفیق»

هشت‌سال از آن لحظات طاق‌تفرسا و پر از اضطراب می‌گذرد. «هشت‌سال»! دقیقاً به اندازهٔ سال‌های شوم «جنگ تحمیلی». حتی هنوز هم نمی‌توانم پر کشیدن را باور کنم که چگونه دیگر نیستی و زندگی ادامه دارد. این سال‌های بدون داشتنت سعی کرده‌ام در حد توان مسیر شجاعانه و صادقانه‌ات در مسیر رساله و قلم را پیش بگیرم؛ و همانگونه ادامه بدهم. همهٔ این اتفاقات هم در این سال‌ها با لطف خدا و نام پر آوازهٔ شما و کمک برخی از دوستان، بدرستی کنار هم قرار گرفته تا بتوانیم این مسیر را ادامه داده و حفظش کنیم. شاید آنجا که دوستان و سروران بسیاری همچون محمود کاظمی‌زاده، مهرداد فرشیدی، محمد حیرانی، محمدرضا کاظمی، جمشید جمیدی، توحید و انشایی، حامد قاسمی، بهزاد عسگری، جعفر ملکی، خانم مریم مرادی و بویژه مهدی زارع همکار و عکاس ورزشی AfC که همیشه و بدون چشم‌داشت از جام ملتا و جام جهانی و... هوای دنیای هوادار را داشت و خیلی‌های دیگر پای کار آمدند (بماند که خیلی‌های دیگر که هم توقع ازشان می‌رفت و هم «عده‌ها» داده بودند و بعدها زیرش زبند و اصطلاحاً «رفتند توی پیج»! به حرمت نام شما و هوادار بود که اینچنین قلم زبند تا هواداری داشته باشیم. عباس آقا ما زمانی که بود به‌نیابت هوای ما را داشت و همیشه بدون چشم‌داشت برای روی پا ماندن دنیای هوادار تلاش می‌کرد. حیف که او هم ما را تنها گذاشت و آمد پیش شما... حداقل پس از رفتن شما دل‌مان به بودن عباس آقا خوش بود که اجل مهلت نداد. یادش بخیر در واپسین مسافرت سفرفه‌ای که به‌تاریخ اردیبهشت‌ماه سال ۹۳ به استانبول داشتیم، پس از پایان مذاکراتمان برای راه‌اندازی آکادمی باشگاه گالاتاساری ترکیه در کشورمان گفتیم تا سه‌ماه دیگر کار را استارت می‌زنیم که گفتی من تا سه‌ماه دیگر در جمع شما نیستم! همان سفری که تمام زنگ می‌زدی و جوابی احوال عباس آقا می‌شدی، چون نگران دیابت و قند بالا و نامساعدش می‌شدی... ناصرخان! در این‌باره دوستان دیگری هم بودند که به ما برای مودلشن و رشد دنیای هوادار کمک داشتند. همهٔ نویسندگان و خبرنگاران این روزنامه از بدو تا‌سیس با مکتب تو آشنا شدند و کاه‌برداشتن در این مکتب، بدل به قانون نانوشتهٔ تحریریهٔ ما شد تا همانگونه که در شناسنامهٔ روزنامه با افتخار نوشته‌ایم «دنیای هوادار یاد و خاطرهٔ ناصر احمدپور و عباس عبدالملکی از پیشکسوتان عرصهٔ مطبوعات ورزشی را گرمی‌یاد» یاد و خاطرهٔ شما و روح بزرگتان در سطر به سطر این جریده‌نشین‌انداز باشد. ناصرخان... تا اینجایش را که با لطف خدا و همت همهٔ همکاران با سرعت به‌سمت هدف‌هایمان پیش رفته‌ایم. امیدوارم در ادامهٔ این مسیر نیز همانطور پیشروی کنیم و دست‌کم در برابر روح بلند خودت، سرلند باشیم. شما هم ما را دعا کن در مسیری که خودت نشانمان دادی. یادت همواره گرمی‌یاد است و در قلب ما حک شده «همیشه رفیق»...

نوشتر

به بهانه ۸ مردادماه؛ روزی که ناصرخان آسمانی شد!

محمود کاظمی/ دقیقاً یادم نیست در چه تاریخی با استاد «ناصر احمدپور» آشنا شدم، اما به خوبی در خاطرم هست آنچه ما را به هم پیوند می‌داد، اندیشه‌ی مشترکی بود که در قالب محبت از زبان قلم بر کام جاتمان جاری می‌گردید. روزها به سرعت می‌گذشت و ارتباط دوستانهٔ بین من و ناصرخان روز به روز محکم‌تر می‌گشت، تا آنجا که علاوه بر همکاری حرفه‌ای مانند یک برادر برلیم از زندگی و آرزوهای حرف می‌زد و چقدر نگاه پرمهری به خانواده داشت، بویژه مادر مهربانش و اعضای خانواده‌اش همیشه به نیکی یاد می‌کرد. و اما یک خاطره از روزاند ناصر احمدپور به زبون خودمونی؛ یکی از روزها به او گفتم: ناصرخان هوس چلوکباب کردم، کی میزبان ناهار دوفترة می‌شی؟ یا خنده گفت: چرا دو نفر، دو دست تعدای از خوانندگان همیشگی روزنامه به صرف ناهار دعوت کنم! این موضوع گفتند تا اینکه به روز رنگ زد گفت: فلائی فردا ظهر باید دختر بریم و‌اسه ناهاری چلو کباب، من هم که تشنه‌ی چلو کباب و گشنه‌ی نوشابه پرتقالی بودم به موقع رفتم سر قرار که پیو دیدم حدود ۱۵ نفر از خوانندگان دامی روزنامه هم دم دفتر ناصر خان صف بستن! سرتون رو درد نیام، به اتفاق ناصر خان و بقیه هموندا یهویی سر از خایبون توایر در آوریدم که از پله‌های دفتر علی آقا پروین بالا می‌رفتم! اونجا دوزاری‌ام افتاد که ظاهر ناصرخان زبل، یا به تیر دو نشون زده بود. هدف اول؛ شادروان ناصر احمد پور با علی آقا هماهنگ کرده بود پیروز تعدای از هواداران رو ببره دفتر علی آقا واسه ملاقات و گفت‌وگو. هدف دوم؛ ناصرخان می‌دونست که علی آقا موقع ناهار از مهموناش با چلو کباب کوپیده پذیرایی می‌کنه! خلاصه، بعد از ملاقات و گفت‌وگو و عکس یادگاری دوستان با آقایی پروین، با میزبانی علی آقا، ناهاری که ناصر خان قول داده بود را نوش جان کردیم، دست علی آقا هم درد نکنه! امیدوارم خداوند بزرگ روح آن بزرگمرد عرصهٔ نویسندگی را شاد بگرداند، و به خانوادهٔ دوستان و همکاران ازجملهٔ ایشان، طول عمر با عزت، همواره با موفقیت عنایت فرماید... آمین...

خاطرات

گفت‌وگویی که هیچ وقت منتشر نشد؛ نقل مصاحبت درکنار «ناصرخان» و در منزل «ناصرخان»

حامد قاسمی/ این آخری‌ها خیلی دل و دماغ کار نداشت اما خودش را از تنگ و تا هم نمی‌انداخت و کماکان ان‌لمود می‌کرد بیشتر از خیلی جوت‌ترهای می‌تواند سوزن‌بایی کند و گیشه را تحت تاثیر قرار دهد. در اوج کار بودیم که ناصرخان دم گوش من گفت ماشیت بنزین دارد؛ من هم گفتم پله گفت ساعت شش بعد از ظهر آماده‌باش باید بریم جایی. اسم ناصرخان استرس بود، حالا فکرش را بکنید اینطور میهم هم حرف می‌زد. بالاخره آماده شدیم از دفتر البرز ورزشی برویم خانه ناصر حجازی. بارها تجربه گفت‌وگوی طولانی با آن مرحوم را داشتم اما اینکه در دوران اوج بیماری‌اش سرطان-بتوانیم از او حرف بکشیم خیلی کار متفاوتی بود. با ناصر خان و کریم شاهرودی به همراه مکتب روزنامه راهی شمیران آباد شدیم و با کلی خوش‌وش و احوال‌پرسی وارد منزل مرحوم حجازی شدیم. نازی خانم بتوجه به ائتمندی که به ما داشت ترجیح داد جمع ما را ترک کند. ناصرخان هم به من گفت، دستت از روی کاغذ بلند نشه و هرچی بین ما هست بنویس؛ من هم می‌دانستم چه چیزی در فکرم می‌گذرد. حجازی اما روز آن‌ها همه‌چیز گفت، از ماجرای حذف از تیم‌های ما تا پارانه و دغدغه‌های مردم، تا رسیدیم به اینکه ناصر خان از حجازی پرسید یا موی ریخته چه می‌کنند! این جمله ناصرخان خیلی جو را تحت‌الشعاع قرار داد. همه‌جا را سکوت گرفته بود که ناگهان بغض مرحوم حجازی شکست و اشک‌های اسطوره‌ای‌ها از صورتش سرازیر شد. من به او خیره شده بودم و همه مثل من مات و مبهوت به حجازی جمشید پریزی هم که عکاس ما بود هم‌نظر خشک زده بود به حجازی و تکان نمی‌خورد. چشمشان روز بد نبینه ناصرخان چنان لگدی به جمشید زد که کجا را نگه می‌کنی مرد حسایی. عکس بگیر از این صحنه! خلاصه مصاحبه خوبی شد و تا دم صبح مشغول پیاده‌کردن آن شدم. کلی حرف‌های سیاسی زد و حیف بود سانسور کنیم. اما به محض رسیدن به روزنامه ناصرخان گفت خانواده حجازی گفتند صلاح نیست چنین مصاحبه‌ای منتشر شود. گرچه ما چکیده‌ای از مصاحبه را چاپ کردیم اما هیچ‌وقت آن حرف‌ها جایی منتشر نشد. هر روز دو ناصرخان قرین رحمت اهدی...

دلنوشته

برای «ناصر خان» که هنوز هم بهترین است؛ یک نفر باید باشد...

مهدی زارع/ یک نفر باید باشد، که دل‌تنگی‌هایت را از چشم‌هایت بخواند، یک نفر باید باشد که فطره اول نیامده در آغوش بگیرد، یک نفر باید باشد که سقظهٔ پایان جمله‌هایت را بداند، نمی‌شود که نمی‌شود به تو فکر نکرد ناصرخان. مرد سخت چهره مطبوعات، می‌خواهم تا‌کفته‌های بسیاری را برایت بگویم، از شهرپورت تا اسفند از فروردین تا مرداد، که تمام لحظات در کنارت برابرم آموزنده بود. یادت هست، خیالت هست، خاطرات هست، حضور در جام جهانی‌ها، میادین جهانی، المپیک‌ها، دفتر تحریریه که با وجود گرمی خاصی داشت... هر روز در کنارت درس جدیدی یاد می‌گرفتم که امروز مرا به قلعهٔ آرزوهایم در رسانه رساند، فقط کمی جای تو خالیست، نمی‌آیی تا بگویم عکس یک می‌خواهم، خبر خوبی چو داری؟ ناصر خان، ناصر خان، تو هنوز بهترین هستی، کاش دفتر خاطراتم چراغ جادو بود تا هر وقت از سر دل‌تنگی به رویش دست می‌کشیدم تو درونش با آرزوی من بیرون می‌آمدی!



حمله با سلاح سرد به طلبه جوان البرزی؛ ضارب دستگیر شد

غروب پنج شنبه، مصادف با ۶ مرداد ماه، حجت الاسلام سید مجتبی در گلزار شهدای امامزاده محمد کرج توسط فردی ناشناس در حین برگزاری مراسم زیارت عاشورا با سلاح سرد (چاقو) مجروح شد؛ در حال حاضر، وضعیت عمومی این طلبه مساعد است و بنا به گفته سرهنگ سید مرتضی موسوی معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی البرز فرد ضارب نیز دستگیر شده است.

البرز

یادداشت

الزامی حیاتی؛

اتحادِ مزدوجِ شورا و شهردار



که با تلفیق تجربه و تخصص، بیشترین فرصت ممکن را برای خدمت‌رسانی خالصانه به مردم فراهم و کارسازی نماید.

حال، پس از پوسته‌اندازی‌های اولیه و گذر پارلمان محلی از گودال دوران گذار و تاب‌آوری و ایستادگی آگاهانه‌شان در مقابل پافشاری بر دخالت دهی و تعمیم تفکرات سیاسی، جناحی و مطلق بعضی‌ها! با دخالت و سهم‌خواهی در اتخاذ تصمیمات و انتخابات و انتصابات و نیز بعد از چشیدن طعم تلخ حوادث، اختلافات و تجربه‌های ناگواری که پیامد فشارهای بیرونی و تن دادن های درونیان بر آن گونه نگاه بود... به نظر می آید که در ادامه، شورای شهری‌های دوره ششم در تلاش برای تغییر محسوس، بی اعتنا به فشارهای بیرونی بیهوده، عملاً و مستقلاً نشان دادند که برای اثبات کارآمدی شورای مؤفق،* الزاماً می بایست، با ترجیح مصالح بر منافع؛ در این نوبت، شهرداری را انتخاب کنند که بی هیچ شائبه سیاست‌زدگی، دارای شاخصه‌های توانمندی تام و تمام باشد، تا آنان در ۳ سال باقیمانده از تداوم فعالیت های مشخص شورا، صرفاً در راستای راهبردهای تعریف شده برای مدیریت شهری؛ با اقتدار و بهترین کیفیت بر جای مانده، کارنامه حیات سیاسی، اجتماعی خود را به نماد و نمرة عزت و اعتبار و نشان افتخار مزین نمایند.

در پایان، با توجه به اینکه منتخبان دوره ششم شورای شهر کرج، بلافاصله میانگین سنی، از اعضای ادواری شوراهای اسلامی پنج دوره پیشین، در عین متخصص بودن، جوانتر هستند، انتظار می‌رود تا آنان، ضمن حفظ استقلال و جسارت جوانی، مضاف بر انجام دقیق تکالیف قانونی، نظارتی خویش در پایش عملکرد مدیریت شهری، برای افزایش تجربه‌مندی و اعتلا و ارتقای تصمیمات و اقدامات توسعه‌دهنده خود،

چرا که الزام ناموفق و نامبارک برخی از سیاسیون شورانشین برای داشتن اجباری رنگ و صبغة سیاسی شهردار و مجموعه مدیران منتخب او باهالی شورا، بویژه در امر انتصابات و انتخابات، که از دیرباز؛ در تضاد با قواعد حاکم بر سیستمهای شورایی بوده است؛ بوضوح نشان می دهد که، سیاست زدگی سهم خواهانه، سم مهلک و آفت بزرگ آفت کارایی و ایستایی مدیریت شهری بوده خواهد بود. هر چند که باید تصریح کرد، حضور فعالان سیاسی احزاب مختلف در شورا، بمنزلة دخالت سیاسی آنها در مدیریت شهری نبوده و نیست و البته که نباید هم باشد! بنابراین شهرداران منتخب شوراهای مختلف و تیم زیر مجموعه‌ای آنها، با هر گرا و گرایش سیاسی، مادام که با شاخصه سیاستگذاری‌های مدیریتی و بر اساس ارزیابی میزان توانمندی و تخصص‌شان انتخاب می‌شوند، هیچ تضاد و تعارضی با کارایی جریان مدیریت مطلوب که فصل مشترک و اصل بنیادین انتخاب متخصصان مدیر و مدیران متخصص است؛ در پی ندارد. چرا که بر عکس این تفکر مسموم و مذموم؛ سیاسی کاری صرف، علاوه بر آفت و آسیب مسجل بودن و بلای بزرگ جان‌بلدیه شدن، یک امتیاز کاملاً منفی در کارنامه عملکردی مدیران شهری و شوراهای بر این نمط، تصمیم‌گیر است.

با این تفصیل تحلیلی، یکی از معضلاتی که مدیریت شهری کرج از گذشته تا هنوز، با آن دست به گریبان بوده؛ مسأله وجود نیروهای غیر تخصصی در ساختار مدیریت شهری بوده است، نه؛ موضوع مدیران غیر جناحی، سیاسی میدان دیده؛ فلذاست که باید این رویه نامبارک، سرعت و بشکل بنیادین، در دوره ششم شورا، اصلاح شود که بنظر می‌رسد، اکنون و در آغاز سال دوم، اعضای آن با چرخشی صحیح و هوشمندانه و با حرکت بسمت انتخاب شهرداری کاملاً مجرب و متخصص، در قالب عقلانیت و مصلحت‌اندیشی جزم برای شهر و شهروندان، بزعم فشارهای نامربوط! بدرستی کلید خورده است. چرا که مدیر تخصص مدار و برنامه محور، نیک می‌داند، بودجه‌ای که باید به بخش عمرانی تخصیص یابد، نباید برای پرداخت حقوق کارکنان خرج شود! بنابراین دقت، وسواس و توجه ویژه و معنادار اعضای شورای ششم در انتخاب شهردار فعلی؛ اقدام و تصمیمی منطقی‌مند و ستوده است که برای صرف فعل خواستن به توانستن؛ هدایت مدیریت شهری را به دست سکنداری سپرده اند

و موتور محرکه مدیریت شهری، همانگونه که در تشریح برنامه‌هایش نیز تبیین کرد؛ افزون بر بالابردن قدرت شتاب‌دهندگی سانتریفیوژ وار چرخه عمران و توسعه؛ در سامان‌بخشی منابع انسانی و مالی و اداره علمی، عملی شهرداری، بعنوان یار چهاردهم این مجموعه، شورا داری را نیز با چشم‌انداز همدلی و همگرایی تیم شورای شهر، بطور انگیزشی و ملموس، فعال تراز همیشه نماید و به رغم ترس و تردید افکنی آمال بر باد رفته‌های هر چه رشته، پنبه شده؛ که می‌کوشند تا وی را در برابر شوراییان، سرکش قلمداد کنند! سربزدی با تجربه؛ نه تر شوراییان؛ که با شوراییان جوان و جسور، در نهایت هماهنگی و همدلی و همراهی، خواهد کوشید تا سرنوشت آینده شهر را طوری رقم بزند که برآیند این اجماع و اتفاق توأمان، به زعم بدخواهان، سرعت تمام، به توسعه همه جانبه و تعالی پایدار و عمران مشهود و ترقی روزافزون شهر منجر بشود.

چه، اینکه تجربه تلخ نخستین سال شورا در اصرار برای انتخاب شهرداری مثلاً سیاسی، جناحی؛ اما در عمل؛ فاقد تخصص و در عرصه‌های مهم تصمیم و انتصاب و اقدام؛ ناگوارآمد و حاشیه‌ساز و ایضاً ناآشنا و فاقد احاطه و اشراف چند ضلعی به زوایای ظریف پیوندهای انسانی، اجتماعی که غایتی جز فرصت‌سوزی و تحمیل هزینه‌های هنگفت مادی و معنوی بر دوش نحیف شهر و شهروندان نداشت، مؤید این واقعیت دردناک است که طرفداران این نگاه نامیمون و هنوز هم در کمال پوری؛ مفسر، امروز، در برابر افکار عمومی، چه دارند که بگویند؟! واقعاً با این سیاست‌زدگی سهم خواهانه، چه گلی به سر این شهر و شهرداری و شهروندان زده اند!؟

چنانکه دیدیم، اصرار بر تداوم این مسیر خطا و پافشاری پدر خواندگان مهره سوخته! بر حفظ شرایط موجود، آن هم به هر قیمتی که شده! بویژه از سوی برخی درونی‌های منتفع و بیشتر، از ناحیه ناراحت سهم‌خواهان بحران‌ساز بیرونی بود که النهایه، کارآمدی، تصمیم‌گیری و عزت و اقتدار شورا را دچار خدشه نمودند و پس از آن همه تنش طولانی، کار را به برکناری ناگزیر شهردار معزول کشانیدند و متعاقباً شورا را نیز، بجای اجماع و آرامش، علاوه بر تجزیه به گروه‌های چندگانه، در رسانه‌ها و افکار عمومی و دیدگاه صاحب‌نظران و بسیاری از اعظام و اکابر شهر و استان، عمادانه و بطور تکراری و ترکیبی دچار تهدید و تکانه و حواشی‌های نو به نو ساختند و خودخواهانه به دامچاله‌های روزمرگی و رکود و رخوت انداختند.



مرتضی دهقان آزاد

پس از به صدا درآمدن سوت پایانی فرآیند انتخاب سکندار مدیریت شهری کلانشهر کرج و انتخاب معنادار مجید سربزدی، که توسط شورای اسلامی شهر، با نیت عبور از منافع فردی، گروهی و شناخت درست و هدف‌گذاری منطقی عقلایی شورا در راستای تأمین مصالح عمومی شهر و شهروندانی که سالهاست به عمد و سهو، مورد غفلت واقع شده است و نیز برای ملحوظ داشت تجربه و توانمندی‌های اثبات‌شده شهردار منتخب، جهت تسریع در اصلاح، احیا، بازسازی، بهبود و بلوغ و بالندگی حداکثری شهر، که برغم قلیل نظرات سطحی‌نگران کوتاه‌اندیشی که طبق عادت، مرغ دموکراسی و مردم‌سالاری‌شان یک یا دارد و هر وقت که سفره چرب و مرتع سبز چریدن را از دست می‌دهند، چشمشان را می‌بندند و دهانشان را به یایه باز می‌کنند! و نیز بر عکس یقه چاک زدن و غوغا‌افکنی بعضی تفرقه‌انگیزانی که در تمام ادوار، بوقلمون‌وار رنگ عوض می‌کنند و تا بساط لفت‌ولپس‌شان به خطر می‌افتد، نعره وامصیبتا! سر می‌دهند و عمریست که کارشان، نعل وارون زدن و پوستین وارونه پوشیدن است! و تنها یادت گرفته‌اند که از آب گل آلود تشمت و تشنج‌آفرینی، متظاهران و طلبکارانه! ماهی مفت منفعت بگیرند!

چنانچه این جماعت، با عینک نداشتة عقلانیت! به گنّه وقایع بنگرند، خواهند دانست که با این انتخاب شایسته‌سالارانه شورانشینان، نه دین خلق بر باد رفته! و نه دنیای مردم را آب برده! بلکه فقط دین ایقان؛ که ملغمه‌ای از پول و پست و پلوست بر باد رفته و دنیای ایقان؛ که ترکیبی از دلالی و دلار و درهم و دینار است را، آب برده است! چرا که این انتخاب هدمند و هوشمندانه، محصول مشترک همگرایی و برآیند توافق کامل اعضای شورای اسلامی شهر کرج، اعم از ائتلاف هفت و شش بوده است.

چرا که بازخوانی دقیق این انتخاب استاندارد و ترازمند، نشان می‌دهد، مجید سربزدی؛ خروجی متعادل و متعارف دو کفه ترازوی پارلمان محلی است که ابتدا با توزین و ترازوی سبک و سنگین گروه شش شورا، به جمع چهار گزینه نیمه‌نهایی راه یافته و سپس در فینال، با مصلحت‌اندیشی مطلق گروه هفت شورا، بعنوان گزینه نهایی، معرفی گردیده است. لذا، بر خلاف هیاهو بر سر هیچ اشک تمساح ریزانی که می‌پندارند، مجید سربزدی نماینده منتخب یک تیم خاص است، بایستی تصریح کرد که بالعکس، او در ترازوی وزن‌کشی دقیق و چارچوب دموکراتیک‌ترین فرآیند قانونی و معیارمند، برگزیده شده و با تضارب و تصاعد تلفیقی آرای حداکثری اعضای شورای ششم، در سکوی نخست انتخاب ایستاده است.

مدیر بومی و نخبه‌ای که در قواره شهرداری کارنامه‌دار و کارآمد و علی‌الخصوص، صاحب‌سبک در عرصه‌های مختلف مدیریت کلان و مسلط بر امور محیطی و محاطی، که به زعم تلاش مذبحخانه معدودی از افتراق افکنان برای ایراد وارد کردن‌های بنی اسرائیلی! و الصاق برجسب‌های غیر مستند و لاپتچسبک سیاسی؛ در باور اذهان عمومی و پیشگاه صاحب‌نظران و دیدگاه رسانه‌ها، مدیری کاملاً تحول‌خواه، عملگرا، انقلابی صولت، فرا جریانی و اصالتاً از نسل نستوه جهاد و جبهه و جنگ و جانبازیست که بگواه تجربه‌های اثباتی، تمام توانش را بجای کاربست سیاهکارانه سیاسی کاری و سیاسی بازی، به سیاست‌سازی و سیاست‌گذاری مدام برای پیشبرد اهداف شورا و مدیریت شهری و نشاط و رضایتمندی شهروندان مصرف داشته و با توجه به سوابق درخشان، اینک با پختگی تمام؛ می‌تواند در قالب پیشبران

مدیر بومی و نخبه‌ای که در قواره‌ی شهرداری کارنامه‌دار و کارآمد و صاحب‌سبک در عرصه‌های مختلف مدیریت کلان و مسلط بر امور محیطی که به زعم تلاش معدودی از افتراق افکنان برای ایراد وارد کردن‌های بنی اسرائیلی؛ در باور اذهان عمومی مدیری کاملاً تحول‌خواه و انقلابی است.

از مجید سربزدی، فارغ از جایگاه شهردار بودنش، بعنوان یکی از سرمایه‌های مغتنم اجتماعی استان و مدیر کارنامه‌مندی که آمیزه ای از تجربه و تخصص و نیز پختگی های سالیان دراز را در چنته دارد، بهره کافی را ببرند و در یک کلمه، از اصل اصیل و فلسفه ذاتی خویش، یعنی رابزنی و مشورت‌گیری از صاحبان صالح و مشهور به فضل و عقل و اندیشه، بی نیازی نوززیده و کماکان بکوشند تا از اخذ تصمیمات هیجانی و لجوجانه و اثر پذیری‌های احساسی، عاطفی و مقطعی، پرهیز کرده و دایرة مشاوره و بهره‌گیری از تجارب و اندیشه‌های ناب و راهگشای ارباب عقول و متخصصان را وسیع‌تر از گذشته نمایند، تا بتوانند ایده‌های تازه و نوین را با تجارب پیشین پیوند زده و در پایان کار، بهترین نتیجه را با پرچمی برافراشته در مدیریت شهری رقم بزنند. ان‌شاءالله

دکتر محمدیان، مسئول سازمان بسیج رسانه کشور اعلام کرد: جبهه بسیج رسانه باید پرچم مطالبه‌گری را به‌عنوان یک هدف سر دست بگیرد و به موفقیت فرهنگ جهادی و بسیجی کمک کند.

یادداشت

«آمدند، رنج کشیدن و مردند»

خیابانی روبه ساحل

حسن صانعی پور



ورودی‌های ساحل دریا را که وارد می‌شوی کم‌کم صدای امواج به گوش می‌رسد. هرچه نزدیک‌تر همان اندازه گوش نوازتر، تا جایی دیگر می‌توانی با ضرب‌آهنگ دریا نغمه شادی سربدی. این‌روزها غریبانه در حال گذر است و تخت‌ها و راهروها غم‌انگیزتر از هر وقتی شده است و صدای آژیر مردن بیشتر از هر وقتی به گوش می‌رسد. غروب‌های تابستان و سحر یخ‌زده زمستان این‌جمله را بیشتر از گذشته شنیدنی کرده است: «آمدند، رنج کشیدن و مردند».

عاقلانه این است که نباید نوشت و عاشقانه‌ای نیز باقی نمانده است که بسرای. اینجا فقط نشستن و نگرستن رواست. قدم‌هایی که به تدریج کوتاه و کوتاه‌تر می‌شود و تابستانی که دیگر طعم گس انجیر و بوی علف نخجیر را ندارد. گریه‌ای و یا هق هقی شاید، صبح‌های و یا عریه‌ای. کوتاه باید گفت: هر آینه رسیدن و هر لحظه برخورد کشیدن را باید شنید و چشید.

حالا دیگر نمی‌توان آنقدر ساده و بی‌ریا بود و به آواز کبوتران دلخوش شد. حالا دیگر نباید دل را به دریا سپرد. کتاب تاریخ که ورق بزنی خلاصه‌اش نمای دوری است که در قاپ خاطرات نهفته است. خاطره‌هایی که باید از لابلای آلبوم‌ها و تصاویر قدیم بیرون آورد و بر سردر تالارهای بی‌تماشاگر امروزی آویخت. تصاویر امروز، آیندگان را خوشحال نخواهد کرد و تاریخ عصر حاضر، نوشتنی نیست. تپه‌دستانی که مجبورند برای دل مملو از نرسیدن‌هایشان به دعا برخیزند، و ثروتمندانی که درد بی‌دردی دارند، دو قطب نرسیدنی هستند که کودکی هر یک در اکسیژن متفاوتی نفس کشیده است. سهراب می‌گوید: دلخوشی‌ها کم نیست، اما باید یادآوری کنیم دل خوش سیری چند؟ وقتی نمی‌توانیم حتی به باغ حسن هجرت کنیم و گوجه و قیسی بخیریم، وقتی پنجره‌هایمان بسته است و هنگامی که رسیدن مقدر نیست، به کدامین واژه باید پناه ببریم. با این حال بزرگی می‌گفت برای دور شدن از غم‌ها باید به کودکی پناه برد. آنانی که کودک دور خود را زنده نگه داشته‌اند بیشتر از دنیای خود لذت می‌برند. آری حالم خوب نیست و تو باور کن و به مرغان دریا و ماهیان اقیانوس بگو که حوضمان بی‌آب است.

سوزه

دستور دولت برای کاهش قیمت روغن؛

چند درصد کاهش؟ زمان اجرا؟

معاون وزیر صمت از کاهش ۱۰ تا ۲۵ درصدی قیمت انواع روغن‌های مایع و جامد خبر داد. «مهدی برادران» با اشاره به دستور وزیر صمت برای کاهش قیمت انواع روغن نباتی گفت: این دستورالعمل روز جمعه ابلاغ شده و از شنبه هشتم مرداد برای تمام کارخانجات روغن کشور لازم الاجرا است.

برادران هدف از این کار را حمایت از مصرف‌کنندگان اعلام کرد و گفت: همه کارخانجات ملزم به کاهش قیمت هستند و با واحدهای که از این دستورالعمل پیروی نکنند، برخورد خواهد شد.

معاون وزیر صمت درباره روغن‌های فعلی موجود در بازار با قیمت قدیم نیز گفت: قرار است برای این روغن‌ها نیز تخفیفات در نظر گرفته شود. این کاهش قیمت به دنبال برنامه دولت برای کاهش تعرفه واردات مواد اولیه مورد نیاز کارخانجات روغن اعمال می‌شود. معاون وزیر صمت در پایان از پیگیری جدی برای آزادسازی صادرات روغن هم خبر داد و گفت: با حذف ارز ترجیحی نگرانی بابت صادرات روغنی که مواد اولیه آن یارانه‌ای بود نیست.

«رئیس کل بانک مرکزی»:

سپرده قانونی بانک‌های متخلف ۱۵ درصد شد

مرکزی همچنین از برنامه بانک مرکزی برای مذاکرات با کشورهای مختلف در راستای برقراری تفاهات پولی خبر داد و گفت: نماد روبل-ریال اخیراً رونمایی شد و در یک هفته که از معاملات این ابزار می‌گذرد، به طور میانگین دومیلیون روبل در روز معامله داشتیم که در روزهای آتی افزایش می‌یابد.



سازکارهایی که بانک مرکزی دارد، تقویت بازار بین بانکی است، بازاری که کمک می‌کند بانک‌ها نیازهای نقدینگی خودشان را بتوانند از این بازار تامین کنند. درواقع بانک‌ها می‌توانند در این بازار با استفاده از اوراق دولتی که در اختیار می‌گیرند، این اوراق را مورد معامله قرار دهند و به نهادهای دیگر بفروشند و از طریق آن تامین مالی انجام دهند.

صالح آبادی ادامه داد: ساماندهی بانک‌ها و اصلاح نظام بانکی یکی از محورهای جدی است که در بانک مرکزی شروع شده و برای هر یک از بانک‌ها در چارچوب کنترل ترانزنامه‌ای که اتفاق می‌افتد برنامه مشخصی وجود دارد تا برای رفع ناترازی و مدیریت ترانزنامه خود چه اقداماتی باید انجام دهد که توسط حوزه نظارت بانک مرکزی پیگیری و دنبال می‌شود. مجموعه اقداماتی که در حال انجام است در راستای انضباط بخشی و ساماندهی ناترازی بانک‌هاست که امیدواریم بتواند تداوم داشته باشد و باعث شود آرامش را در نظام پولی و نهایتاً کنترل متغیرهای کلان اقتصادی داشته باشیم. رئیس کل بانک

«علی صالح آبادی» - رئیس کل بانک مرکزی - درباره نرخ سپرده قانونی بانک‌ها اظهار کرد: براساس مصوبه شورای پول و اعتبار در گذشته حداکثر بین ۱۰ تا ۱۳ درصد بود که در حال حاضر این حداکثر از ۱۳ درصد به ۱۵ درصد درباره بانک‌ها و موسسه‌های مالی که مقررات بانک مرکزی به‌ویژه در کنترل ترانزنامه بانک‌ها را رعایت نمی‌کنند، افزایش یافت.

رئیس کل بانک مرکزی ادامه داد: بانک مرکزی در راستای مدیریت تورم برای هر بانک در چارچوب سیاست‌های پولی خود، کنترل مقداری ترانزنامه را در دستور کار دارد و مشخص است که ترانزنامه هر بانک، متناسب با اهداف کلان اقتصادی چه مقدار باید رشد کند. بانک‌هایی که این نسبت رشد را رعایت نکنند، مشمول اضافه سپرده قانونی خواهند شد. بر همین اساس این مصوبه جدید شورای پول و اعتبار کمک می‌کند انضباط پولی خوبی در شبکه بانکی کشور ایجاد شود و آنچه را که بانک مرکزی به عنوان کنترل مقداری ترانزنامه به بانک‌ها ابلاغ می‌کند، مد نظر قرار گیرد و رعایت کنند که اگر رعایت نکنند، این اضافه سپرده قانونی به صورت خودکار اعمال خواهد شد.

رئیس کل بانک مرکزی همچنین درباره کاهش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی گفت: یکی از

گزارش

پیش‌بینی بورس؛

به سبز شدن معاملات امیدوار باشیم؟



به گزارش «دنیای هوادار» و به نقل از تجارت‌نیوز، شاخص کل بورس هفته اخیر روی عدد یک میلیون و ۴۷۱ هزار واحدی بسته شد و این هفته به محدوده یک میلیون و ۴۴۳ هزار واحدی رسید. این ارقام خبر از افت ۱/۹ درصدی شاخص کل بورس می‌دهد. در هفته‌ای که گذشت، روند شاخص‌ها از همه نظر منفی بود، شاخص هم‌وزن و شاخص کل فرابورس ۳.۵ درصد افت کردند. بورس برای ششمین هفته متوالی در روندی کاملاً نزولی به سر می‌برد. تکنیکالیست‌ها در این شرایط مجدداً به سراغ پیش‌بینی خود رفته‌اند. در سناریوی بدبینانه، با ترسیم حمایت‌ها و از دست رفتن هر کدام، ارتفاع پایین‌تری را برای شاخص کل اعلام می‌کنند.

بر خلاف انتظار، بورس در هفته جاری بدترین عملکرد خود را از ابتدای سال ۱۴۰۱ به ثبت رساند. این روند نزولی از آخرین هفته خرداد ماه و همزمان با ناکامی نماگر اصلی بازار برای ورود به کانال ۱/۶ میلیون واحد آغاز و همچنان ادامه دارد. در واقع مجموعه‌ای از تصمیمات سیاستگذار از جمله تداوم بحث قیمت‌گذاری دستوری، سرکوب نرخ ارز در سامانه نیما و بی‌اعتمادی را بیشتر کرده‌اند. با بی‌اعتمادی فعالان بازار؛ بخش عمده‌ای از نقدینگی در مسیر بورس قرار نگرفته است. با تمامی این عوامل شاخص در آخرین روز کاری هفته اخیر مثبت بسته شد. به نوعی با این مثبت شدن بازار انتظار می‌رود که روز شنبه -امروز- نیز شاهد روندی نسبتاً مثبت باشیم. البته این بدان معنا نیست که شاخص کل روز شنبه سبزپوش می‌شود بلکه شاخص و برخی نمادهای بازار می‌توانند مثبت شوند. کارشناسان و تحلیلگران بازار سرمایه عقیده دارند که دومین هفته مرداد ماه، شاخص کل و معاملات بورس روندی نسبتاً متعادل را پشت سر خواهد داشت. انتظار می‌رود که در برخی از روزهای هفته بورس یکپارچه مثبت و برخی دیگر از روزها منفی شود.

گزارش

هشدار؛

مراقب کلاهبرداران فروش اقساطی خودرو باشید



به گزارش «دنیای هوادار» و به نقل از صداسوسا؛ ماجرای کلاهبرداری ۱۰ میلیاردی به بهانه فروش اقساطی خودرو چیست؟ «قاسم دستخال» - رئیس پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران - گفت: پرونده‌ای با موضوع کلاهبرداری به پایگاه سوم پلیس آگاهی پایتخت برای شناسایی و دستگیری متهمان ارجاع شد. شاکلی پرونده پس از مراجعه به پایگاه سوم پلیس آگاهی عنوان کرد، برای خرید اقساطی یک دستگاه خودروی نیسان دوگانه‌سوز با متهمان در فضای مجازی آشنا شدم و پس از ترغیب این افراد و دعوت من به دفتر کاری‌شان، به دفتر فروش آنان که ۲ نفر در آن مشغول به کار بودند، مراجعه کردم.

رئیس پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران گفت: خودروی نیسان را با پیش پرداخت یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون ریال به صورتی اقساطی خریداری کردم و قرار شد با پاس شدن چک پیش‌پرداخت، خودروی معامله شده را به من تحویل دهند. ولی خودرو در موعد تعیین شده، تحویل نشد و اکنون متوجه شدم که دفتر فروش بسته شده است و کارمندان وی متواری شده‌اند. در تحقیقات پلیسی مشخص شد، اعضای این دفتر مرتکب جرائم مشابه دیگری هم شده‌اند، با تجمیع پرونده‌های مشابه مشخصات و هویت متهمان شناسایی شد. دستخال گفت: در نهایت با تلاش‌های شبانه‌روزی، کارآگاهان پایگاه سوم مخفیگاه یکی از متهمان در محدوده خیابان سی متری چی شناسایی شد و با هماهنگی مقام قضائی اکیبی از کارآگاهان برای دستگیری وی به آن محل اعزام و موفق شدند، متهم را در مخفیگاهش دستگیر کنند. با دستگیری نخستین متهم، در شاخه دیگری از بررسی‌های پلیسی متهم دوم پرونده نیز در مخفیگاهش دستگیر شد و به این پایگاه انتقال یافت. در تحقیقات پلیسی متهمان به ۸ فقره کلاهبرداری به بهانه فروش اقساطی خودرو و دریافت مبلغ ۱۰ میلیارد ریال از مال بختگان اعتراف کردند. اعتراف صریح متهمان به جرم ارتكابی، هر دو متهم روانه دادرسی شده‌اند.



مکت

وایلموتس پول ۱۲ سالش را ۵ ماهه گرفت؛ چرا ایران بازنده مطلق پرونده بود؟

«تسنیم» نوشت: رأی نهایی پرونده مارک وایلموتس که علیه فدراسیون فوتبال شکایت کرده بود، از سوی دادگاه حکمیت ورزش (CAS) اعلام و فدراسیون ایران به پرداخت ۳ میلیون و ۳۲۵ هزار یورو محکوم شد. به این مبلغ باید ۵ درصد سود سالیانه را هم اضافه کرد که با این شرایط این مبلغ به حدود ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار یورو می‌رسد. پیش از این فدراسیون ایران با شکایت مارک وایلموتس از سوی فیفا به پرداخت ۶ میلیون و ۲۵۰ هزار یورو به اضافه ۵ درصد جریمه سالیانه محکوم شده بود. این پرونده از سوی ایران در CAS دنبال و با دفاعیه طرف ایرانی و پیگیری پرونده، نزدیک به نیمی از آن کاسته شد.

به این ترتیب و با احتساب ۱/۷ میلیون یورویی که پیش از این به مارک وایلموتس پرداخت شده بود (از مبلغ ۲ میلیون یورو، ۳۰۰ هزار یورویی آن مربوط به دستیارانش می‌شد) و ۳ میلیون و ۳۲۵ هزار یورویی که CAS رأی داده (با احتساب ۵ درصد سود سالیانه حدود ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار دلار)، فدراسیون فوتبال بابت قرارداد ننگین این مربی بلژیکی که در زمان ریاست مهدی تاج امضا شده بود، بیش از ۵ میلیون یورو به وایلموتس پرداخت خواهد کرد. علاوه بر این فدراسیون فوتبال بابت استقراض ۲ میلیون یورو از شستا، ساختمان فدراسیون و دو دانگ از ساختمان باشگاه پرسپولیس را هم در مزایده از دست داد و این همان آتشی بود که تاج به دامن فوتبال ایران انداخت.

این زیان سنگین در یک قرارداد بد با مارک وایلموتس، در حالی است که قیمت سالیانه این مربی ۴۵۰ هزار یورو بوده که در زمان مهدی تاج، به سالیانه ۲ میلیون و ۲۵۰ هزار یورو و در مجموع ۷ میلیون و ۸۷۰ هزار یورو رسید. با وجود شکسته شدن رأی فیفا در CAS این مربی باز بیش از ۵ میلیون یورو از فدراسیون فوتبال ایران دریافت خواهد کرد که میانگین بیش از ۱۲ سال قرارداد او بوده، اما او بابت ۵ ماه فعالیت در ایران چنین مبلغی دریافت می‌کند. در کنار این موضوع حراج ساختمان فدراسیون را نیز قرار دارد تا عملاً فدراسیون ایران بازنده مطلق این پرونده باشد.

حالا فدراسیون فوتبال علاوه بر ۱/۷ میلیون یورویی که به وایلموتس پرداخت کرده، حدود ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار یورویی دیگر باید به این مربی پرداخت کند. این علاوه بر ۳۰۰ هزار یورویی است که پیش از این به دستیاران وایلموتس پرداخت شده و هنوز شکایت آنها نیز در جریان است. باید دید حالا که رقم دقیق محکومیت فوتبال ایران مشخص شده، عوامل چنین فاجعه‌ای محاکمه خواهند شد یا نه.

لژیونرها

«مهدی» از پور تو جدا می شود؟ رقابت دو تیم اسپانیایی و انگلیسی بر سر خرید طارمی

خبرهای واصله از پرتغال حکایت از آن دارد که یک تیم اسپانیایی و یک تیم انگلیسی رقابت نزدیکی را بر سر خرید مهاجم ملی پوش ایرانی آغاز کرده‌اند. قرارداد مهدی طارمی با باشگاه پورتو یک سال دیگر به پایان می‌رسد و این باشگاه پرتغالی شاید مجبور باشد برای درآمدزایی مهاجم ایرانی خود را به فروش برساند. بر همین اساس این دو تیم اسپانیایی و انگلیسی که اسم آن هنوز فاش نشده مشغول رایزنی و مذاکره برای جذب مهدی طارمی هستند. همچنین باشگاه میلان قهرمان سری آ ایتالیا نیز یکی از مشتریان مهدی طارمی است که از یک سال پیش به دنبال خرید اوست. البته گفته می‌شود تیم انگلیسی و اسپانیایی حاضرند بیشتر از میلان برای استخدام ستاره ایرانی پورتو هزینه کنند. پیش از این گفته می‌شد مهدی طارمی مورد توجه باشگاه پرتو قرار گرفته است اما ژرژ ژوسوس سرمربی فنیباغچه ترکیه در مصاحبه ای اعلام کرد: «من ویژگی‌های مهدی طارمی را خیلی دوست دارم، اما در پست او چهار بازیکن خوب داریم. بنابراین احتمال انتقال مهدی طارمی به تیم فنیباغچه وجود ندارد.»

کسب سهمیه جام جهانی توسط تیم ملی گلبال ایران

در پایان رقابت‌های گلبال قهرمانی آسیا در بحرین، تیم ملی گلبال مردان کشورمان ضمن کسب عنوان نایب قهرمانی در این مسابقات؛ سهمیه مسابقات جهانی پرتغال را نیز به خود اختصاص دادند. در آخرین روز از این رقابت‌ها و در مرحله فینال تیم ایران برابر ژاپن به میدان رفت و با نتیجه ۸ بر ۷ شکست خورد و نایب قهرمان این مسابقات شد. محمد سرنجی، مهدی عباسی، محسن عبدالملکی، مهدی نفیسی، میلاد سوری و محمد پرنیا ترکیب تیم ایران را در بازی تشکیل می‌دادند.



اصغر قلندری

ظاهراً باید گفت انتقاد سازنده و پیشنهادهای کارشناسانه برخی از اصحاب رسانه در راستای بهبود شرایط پیش از شروع مسابقات جهانی، تا چه میزان می‌تواند اثرگذار باشد. نگارنده که از خدمتگزاران والیبالی ایران است، در چند مرحله به ضعف دفاعی تیم ملی والیبالی در رقابت‌های لیگ ملت‌های جهان اشاره داشته و خاطرنشان کرده است که در گزینش بازیکنان تیم ملی در دفاع وسط جای سید محمد موسوی خالی است، گرچه به نکات مهمی از جمله تکنیک، فیزیک جسمانی، هماهنگی و هارمونی و همچنین تلفیق نیروی جوانی با یکی دو تن از افراد با تجربه نیز اشاراتی داشته که خوشبختانه از دید کادر فنی و فدراسیون والیبالی مخفی نماند و فدراسیون به پیشنهاد پرهیز عطایی صحنه گذاشت و اسامی ۲۲ نفر را برای تیم ملی والیبالی ایران معرفی نمود تا برای حضور در رقابت‌های جهانی در تمرینات پیش‌رو در تیم ملی حضور یابند.

اما نقرات دعوت‌شده عبارتند از میلاد عبادی‌پور، امیرحسین اسفندیار، مرتضی شریفی، میثم صالحی، احسان دانش‌دوست، جواد معنوی‌نژاد، شهرزاد همایونفرمنش، سیدمحمد موسوی، علی‌اصغر مجرد، امیرحسین توخته، مهدی جلوه، رضا عابدینی، امین اسماعیل‌نژاد، صابر کاظمی، پوریا یلی، جواد کریمی، محمدطاهر وادی، علی رضمانی، فاضل پژومان، محمدرضا حضرت‌پور، محمدرضا مودن و ابوالفضل قلی‌پور. بر این اساس، اکبر محمدی به‌عنوان (سرپرست) جایگزین امیر خوش‌خبر شده، پرهیز عطایی (سرمری)، علیرضا طلوع‌کیان، عظیم جزیده و احمد لاهوتی (مربی‌ان)، یاناس (مربی بدنساز)، علی‌فرهادی (پزشک)، رضا قلی‌پور (تراپیست)، حسین خوریانی و امین علی‌اکبری (آتالیژور) و محمد مهدی افشاری به‌عنوان ماساژور در کادر فنی معرفی شده‌اند. شایان ذکر است: تیم ملی والیبالی ایران در مرحله مقدماتی مردان جهان در کشور اسلوانی باید به مصاف حریفانی از کشورهای (آرژانتین، مصر و هلند) برود. ضمن اینکه احمد لاهوتی هم به کادر فنی تیم ملی اضافه شده است، به این ترتیب حدود پنجاه درصد بازیکنان اعزامی به لیگ ملت‌ها خط خوردند که باید هم اینگونه می‌شد.

با افزوده شدن سیدمحمد موسوی از بابت مدافع‌وسط و محمد جواد معنوی‌نژاد از نظر دریافت‌های اول خیالمان راحت‌تر شده است، مصاف بر اینکه علی‌اصغر مجرد و شهرزاد همایونفرمنش هم باتجربه بیشتر در مواقع لزوم می‌توانند کمک‌های شایانی به تیم ملی بکنند. به هرحال در یک نگاه کلی باید گفت: تیم ملی والیبالی کشورمان با تلفیقی از نیروی جوانی و باتجربه‌ها و معدل قدی که دارد به یک تیم توانمندتر بدل شده، که حضور موسوی و معنوی‌نژاد در کل ترکیب تیم ملی والیبالی ایران در بازی‌های جهانی را از توان بالایی برخوردار کرده است. اردوی آماده‌سازی تیم ملی والیبالی ایران از روز دوشنبه دهم مردادماه آغاز می‌شود، بر اساس برنامه اعلام شده تیم ملی، مردان والیبالی ایران روز شنبه بیست‌دوم مردادماه تهران را به مقصد لهستان ترک می‌کنند و قبل از حضور در جام واگنر دو دیدار تدارکاتی و دوستانه با تیم ملی اوکراین خواهند داشت که روزهای ۲۴ و ۲۵ مرداد برگزار می‌کنند. تیم ملی والیبالی اوکراین در گروه اول قهرمانی مردان جهان با تیم‌های صربستان، تونس و پورتوریکو همگروه شده است. تیم ملی والیبالی ایران در رقابت‌های لیگ ملت‌های جهان با ارائه بازی‌های خوب نظر خیلی از کارشناسان و باشگاه‌های اروپایی را به خود جلب کرده که هر یک به نوعی اظهار نظر می‌کنند.

در همین راستا تیمی گذرا داریم به اظهار نظر مرتضی شیاری، مربی ایرانی تیم ملی آمریکا که تصریح کرده: نتایجی که بازیکنان تیم ملی ایران در لیگ ملت‌های والیبالی کسب کرده‌اند، بسیار ارزشمند و درخور توجه بوده است. برای من که در ایران ورزش والیبالی بازی کرده‌ام به خوبی می‌دانم که اظهار نظرهای عجیب و غریب چقدر کادرفنی و بازیکنان را تحت فشار قرار می‌دهد و تمرکز را از آنان می‌گیرد. مرتضی شیاری مربی ایرانی تیم ملی ایالات متحده که در لیگ ملت‌ها نیز حضور داشت، ضمن بیان مطلب فوق افزود: کافی است نگاه کنیم چه تیم‌های قدرتمندی از دور مسابقات خارج شدند اما ایران به دور پایانی راه پیدا کرد. برعکس بعضی‌ها از شکست تیم ایران

ورزشی

توپ و تور

لیست جدید تیم ملی والیبالی و برطرف‌سازی ضعف خط دفاعی؛

تقویت و تجدید قوا



حضور در مسابقات جهانی آماده می‌شود و به خواست سرمربی تیم ملی من هم در مسابقات جهانی کنار آقای استرا خواهم بود. در والیبالی ایالات متحده هر آدمی بدون واسطه می‌تواند فضای کافی برای ابراز شایستگی پیدا کند. آقای استرا این فضا را در اختیار من گذاشت تا از سال ۲۰۱۸ در کنار تیم‌های دانشجویان و ملی ب آمریکا حضور پیدا کنم و اکنون به‌عنوان دستیار دوم در خدمت سرمربی والیبالی این کشور هستم اما بدانید که دلم همیشه برای موفقیت ورزشکاران ایرانی می‌تپد.

اما امین اسماعیل‌نژاد ستاره این‌روزهای تیم ملی و از عوامل اصلی صعود تاریخی به مرحله بعد بود. امین اسماعیل‌نژاد تا چند سال پیش پشت‌خطزن سوم تیم پیکان و پشت‌سر کای فن دایک و پوریا یلی بود ولی حالا از آماده‌ترین بازیکنان و بهترین‌های جهان است، پیشرفت او فوق‌العاده بوده است. تا جایی که آقای ویتال هنین سرمربی پیشین لهستان، بازی چشمگیر و قدرت آبشار زنی امین اسماعیل‌نژاد در دیدار تیم ملی لهستان را تحسین برانگیز خواند و فریاد برآورد این بازیکن ایران تا به حال کجا بوده که با ۲۶ سال سن در یک ماه اخیر رشد کرده و ستاره نوظهور والیبالی ایران نامیده می‌شود! همان‌طور که توصیف ایوان زایتسوف از بازیکنان قدرتمند و با شخصیت ایرانی هم در نوع خودش بسیار جالب است! ایوان زایتسوف پس از بازی برابر تیم ملی والیبالی ایران اظهار کرد: بسیار خوشحالم از اینکه هر بار که با تیم ملی ایران بازی می‌کنیم برای پیروزی و ارائه بهترین عملکرد به میدان می‌رویم.

مسابقه برابر ایران برای من اهمیت خاصی داشت زیرا پس از جراحی به تازگی به تیم ملی بازگشته‌ام. این اولین بازی من پس از رقابت‌های المپیک بود. هر بار که این پیراهن را به تن می‌کنم حس بسیار خوبی دارم. این پیراهن مثل پوست دوم من است و احساس بسیار خوبی به من می‌دهد. بازیکنان تیم ایران بسیار خوب والیبالی بازی می‌کنند. آن‌ها بازی مقابل لهستان را با پیروزی پشت سر گذاشتند که کار بزرگی بود، ایران تیم بسیار جوانی دارد که انرژی، قدرت و شخصیت خوبی از خود به نمایش می‌گذارد. این موضوع برای ما بسیار ارزشمند بود که مقابل چنین تیمی به میدان برویم. همچنین میلاد عبادی‌پور و امیر حسین اسفندیار، دوبازیکن قدرتی نیز گام‌به‌گام پیش آمدند و روزبه‌روز عملکرد بهتری داشتند. میلاد حالا همان بازیکنی است که در پلاس لیگا دیدیم و اسفندیار هم آتندر خوب و فکور ظاهر شد که بعدی من دانیم به این زودی‌ها جای ثابت خود را در پست دو یا چهار از دست بدهد. عکس امین اسماعیل‌نژاد نیز در سایت فدراسیون جهانی ثبت شد. سایت فدراسیون بین المللی والیبالی با انعکاس پیروزی تیم ملی ایران برابر اسلوانی از امین اسماعیل‌نژاد به خاطر کسب ۲۴ امتیاز به نیکی یاد کرد، امین دومین امتیاز آور لیگ ملت‌ها بعد از نیمیر عبدالعزیز است نیمیر ۱۹۷ و یل ایرانی ۱۷۷ امتیاز را به خود اختصاص دادند.

در بازی آخر با لهستان انتقاد می‌کنند، ولی من معتقدم تیم ما پس از پیروزی در ست چهارم، استراتژی خوبی در شروع ست پنجم نزد و بازی را واگذار کرد. اما اگر به پیروزی می‌رسید و به جمع چهار تیم برتر می‌پیوست در مسابقات قهرمانی جهان که دو ماه دیگر در اسلوانی و لهستان برگزار می‌شود، گریبانگیر یک سری حواشی می‌شد. چرا که با این چرب‌زبانی‌های برخی مجریان و گزارشگران سطح توقعات مردم را بسیار بالا می‌برد.

شیاری در ادامه‌ی صحبت‌های خود افزوده است: واقعاً تعجب می‌کنم چطور مدیران تلویزیون اجازه می‌دهند مجریان و گزارشگران از الفاظ و کلماتی استفاده کنند که ذهن بیننده را به بیراهه می‌کشاند. حمایت از تیم ملی ارائه نظرات عجیب و غریب نیست، برخورد منطقی و حلاجی منصفانه بهترین توصیف است. من نوشته‌های یکی دو پیشکسوت رسانه را خواندم همیشه منصفانه و منطقی قلم زده‌اند. حالا اعتقاد دارم که کادرفنی تیم ملی، پرهیز عطایی، علیرضا طلوع‌کیان و عظیم جزیده درک بسیار درستی از والیبالی دارند و مربیانی توانمندی هستند. اما باید نیمکت

تجربه نشان داده است که هرگاه مدیران منخصص و کاربلد در راس ورزش ایران قرار گرفته‌اند علاوه بر کسب موفقیت در رشته‌های گوناگون، نشاط و شادابی نیز در بین جامعه با هر دین و تفکری که بدان منتسب هستند، منتشر شده است.

تیم ملی را چه از نظر بازیکن و چه از لحاظ مربی تقویت کنیم. افراد دیگری هم هستند که باید به خاطر تیم ملی کنار هم قرار بگیرند و دنبال خودنمایی نباشند. وی افزود: امین اسماعیل‌نژاد عالی بازی کرد همین‌طور امیرحسین اسفندیار و محمدطاهر وادی خیلی خوب بودند و سرعتی‌زن‌های جوان ما باید بیشتر کار کنند. میلاد عبادی‌پور نشان داد که بازیکنی با توانایی‌های بالایی است.

وی به اظهارات سرمربی تیم آمریکا اشاره کرد و گفت: آقای جان استرا سرمربی تیم ملی ایالات متحده همیشه تأکید می‌کند از بازی ایرانی‌ها لذت می‌بریم. آنها به ویژه با ما، ایتالیا و لهستان خیلی خوب پیکار می‌کنند. گرچه با سانسور کردن نام آدم‌ها یا کنار زدن افراد، نمی‌توان به جایی که والا و در خور تحسین باشد، دست پیدا کرد.

وی درباره چگونگی آماده‌سازی تیم ملی ایالات متحده در مسابقات جهانی پیش‌رو نیز اظهار کرد: متنو اندرسون که لیگ طولانی ایتالیا را پشت سرگذاشته است، آرام‌آرام برای

مخالفت فدراسیون از برداشت غرامت ویلموتس از طلب فیفا

حسن کامرانی فردیاره رای نهایی پرونده مارک ویلموتس و پرداخت خسارت ۱۵ میلیاردی او گفت: «پس از این که رای پرونده این مربی آمده است، در روزهای آینده از اعضای هیات رییس تقاضا کردیم تا در مورد رای این مربی تصمیم گیری کنند. درباره جزئیات قرارداد نمی‌خواهم صحبت کنم اما در قرارداد مشخص شده است که ما در چه زمانی باید مطالبات را پرداخت کنیم. چیزی که نگران کننده است، این است که برای پول ویلموتس از محل مطالبات ما در فیفا پول کاسته می‌شود و این موضوعی است که برای ما جای نگرانی دارد و می‌خواهیم در این رابطه مذاکرات لازم را انجام دهیم.»

لشکر کشی «ویج» هادر حمایت از «اسکوچیچ»؛

فراموشکار شدی پیر مرد؟!



در مورد برانکو درست از کار در آمده و تیم ایران در شرایطی که می‌توانست به نتایج بهتری دست پیدا کند، اسیر فضای ملتهب درونی خود شده و قبل از اینکه مقهور قدرت حریفان شود به اختلافات داخلی خود باخت! اختلافاتی که حکایت از ناتوانی برانکو در متحد ساختن تیم داشت. برانکو پیش از آن هم تجربه‌ای ناموفقی در اداره تیم داشت جایی که در جام ملت‌های آسیا ۲۰۰۴ چین رحمان رضایی و علی بدای مدافعان تیم ملی در جریان بازی با یکدیگر به کتک‌کاری پرداختند و توجه بسیاری از رسانه‌ها را به این حرکت عجیب خود جلب کردند اما برانکو به سادگی از کنار این بی‌انضباطی بزرگ گذشت تا وقتی در بازی با پرتغال در جام جهانی علی کریمی در اعتراض به تعویض خود ساک پزشک تیم ملی را شوت زد، «آری‌هان» - کارشناس شبکه zaf آلمان - با اشاره به صحنه درگیری بازیکنان تیم ملی در چین، باخت ایران مقابل پرتغال را حاصل رفتار آن روز بازیکنان تیم ملی و عدم برخورد و تنبیه آنها بداند. برانکو، بلاژویچ، بگوویچ، لوکابوناچیچ، اسکوچیچ و تقریباً همه ویج‌هایی که بواسطه جریان مافیایی واسطه‌گری به فوتبال ایران آمده‌اند، عملاً کاری برای ارتقای سطح فوتبال انجام ندهاده و نهایتاً به موفقیت‌های داخلی و باشگاهی رسیده‌اند که در مورد چرایی و چگونگی این نتایج حرف و حدیث بسیار است. شاید اگر رایکوف، استانکو و ایویچ مربیان فقید را کنار بگذاریم از این جماعت متولد شده در یوگسلاوی سابق هیچ خبری به فوتبال ایران نرسیده



سید مهدی فاطمی

بعد از حمایت تمام‌قد «برانکو ایوانکوویچ» از «دراگان اسکوچیچ» - سرمربی کروات تیم ملی - حالا نوبت به «میروسلا بلاژویچ» دیگر سرمربی سابق تیم ملی رسیده، تا کارنامه اسکوچیچ بی‌کارنامه را بر سر فدراسیون فوتبال ایران بکوبد!

این مربی پا به سن گذاشته در گفت‌وگویی ضمن نادان خطاب کردن فدراسیون‌نشینان و تشبیه فوتبال ایران به سیرک، از تصمیم به ادامه همکاری با این مربی کروات ابراز خوشحالی کرده و در عین حال نسبت به تصمیم قبلی کمیته فنی مبنی بر کنار زدن او انتقاد کرده است. بلاژویچ البته نگرانی خود از اتفاقات احتمالی که شاید در آینده منجر به عدم حضور اسکوچیچ روی نیمکت تیم ملی در قطر باشد را هم بیان داشته و خطاب به مسوولین فوتبال ایران گفته است؛ نادان به کجا می‌روی؟! آیا تغییر مربی‌ای که تو را به جام جهانی برده است عاقلانه است؟!

این موضع تند بلاژویچ در حالی اتخاذ شده است که او خود در گذشته چندان اعتقادی به صلاحیت فنی و درایت همکاران هموطن خود نداشته و در برخی محافل خصوصی علیه آنها هم به اظهار نظر پرداخته است. بطور مثال یک هفته پیش از آغاز جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان در رستوران «پارس وین»، بلاژویچ نظر «حشمت خان مهاجرانی» را نسبت به برانکو ایوانکوویچ - سرمربی وقت تیم ملی ایران - جویا شده بود که پاسخ پیر دیر فوتبال ایران او را به تحسین و داشته به‌طوری که ایستاده و در تایید نظر سرمربی تیم ایران در جام جهانی با او دست می‌دهد. مهاجرانی در آن زمان برانکو را یک نفر دوم موفق می‌دانست و معتقد بود سرمربی موفقی نخواهد بود. بلاژویچ هم پا را فراتر گذاشته و ورود برانکو به برخی جریان‌های دلالی را از جمله نقاط ضعف او عنوان کرده بود. این گفت‌وگوی دوستانه شاهدانی از جنس فوتبال هم داشت که همراه با حشمت مهاجرانی می‌توانند بر تایید آن صحنه بگذارند. جالب اینکه نظر هر دو سرمربی پیشین تیم ملی

گزارش

فدراسیون سوار کاری روی هوا؛

از نداشتن رییس تا سایه سنگین تحقیق و تفحص!

به گزارش «دنیای هوادار» و به نقل از ایسنا، در حالی که قرار بود مجمع انتخاباتی فدراسیون سوارکاری شنبه ۲۱ خرداد سال جاری با حضور ۳ نامزد شامل محمدکاظمیان، محمد اسد مسجدی و مسعود خلیلی برگزار شود، وزارت ورزش و جوانان اعلام کرد به دلیل بررسی و رسیدگی به ادعاها و شکایت‌های واصله برخی کاندیداهای احراز پست ریاست این فدراسیون، انتخابات این فدراسیون باید با ۱۰ روز تعویق برگزار شود اما در نهایت فدراسیون سوارکاری اعلام کرد که مجمع انتخاباتی این فدراسیون ۲۱ خرداد سال جاری برگزار می‌شود و به صورت رسمی از سوی وزارت ورزش و جوانان در خصوص لغو یا عدم برگزاری انتخابات تصمیمی اعلام نشده است.

۶ هفته بدون رییس رسمی!

با گذشت بیش از ۶ هفته از برگزاری مجمع انتخاباتی فدراسیون سوارکاری هنوز حکم ریاست این فدراسیون از سوی وزیر ورزش و جوانان به امضا نرسیده و به صورت قانونی مسعود خلیلی حق امضا ندارد و مشخص نیست که حمید سجادی در این رابطه چه تصمیمی را اتخاذ خواهد کرد؛ اینکه تصمیم به امضای حکم خلیلی خواهد گرفت یا برای این فدراسیون سرپرست تعیین می‌کند؟ سرانجام نیز مجمع انتخاباتی فدراسیون سوارکاری ایران، ۲۱ خرداد سال جاری در محل کمیته ملی المپیک برگزار شد و ۴۷ نفر از اعضای حاضر در مجمع، برگ رای خود را به صندوق انداختند و در پایان مسعود خلیلی با ۴۵ رای به عنوان رییس فدراسیون سوارکاری انتخاب و ۲ مورد از آرای ماخوذه به دلیل مخدوش بودن باطل اعلام شد. محمدکاظمیان، محمداسد مسجدی و مسعود خلیلی نامزدهای واجد شرایط شرکت در انتخابات فدراسیون سوارکاری بودند که مسجدی و کاظمیان ۲ نامزد انتخابات ریاست این فدراسیون در مجمع غایب بودند و غیبت آن‌ها به منزله انصراف تلقی شد. نکته قابل تامل اینکه در شرایطی که قرار بود محمد پولادگر، معاون توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای وزارت ورزش و جوانان، مجید شهیدی به عنوان مدیر کل حراست وزارت ورزش و جوانان، پرچم‌پر، سرپرست دفتر امور مشترک فدراسیون‌های ورزشی وزارت ورزش و جوانان و سیاوشانی به عنوان معاون امور مجامع فدراسیون‌های ورزشی در مجمع انتخاباتی فدراسیون سوارکاری حضور پیدا کنند، همگی غایب بودند و ناصر رزاقیان، رییس هیات استان گلستان در غیاب پولادگر به عنوان رییس مجمع، انتخاب شد.

کلید خوردن تحقیق و تفحص

اما به تازگی نمایندگان مجلس شورای اسلامی با درخواست تحقیق و تفحص از وزارت ورزش و جوانان در مورد عملکرد فدراسیون سوارکاری جمهوری اسلامی ایران موافقت کردند. تحقیق و تفحصی که محورهای آن ۶ مورد است؛ ابتدا اینکه چرا فدراسیون سوارکاری با اعمال تصمیمات غلط و خارج از ضوابط منجر به افزایش هزینه مالکین اسب و ایجاد ابهام در ساختار مدیریتی با تمرکز هزینه‌های دریافتی از مالکین گردیده است؟ مورد دوم اینکه عدم توجه به نقش نظارتی و اتخاذ تصمیمات غیر تخصصی که منجر به افزایش هزینه‌های گزافی شده است. مدیریت‌های مداخله‌گرایانه و خارج از وظیفه رسمی به عنوان سومین محور و ابهام در مدیریت تبعیض آمیز در ساختارهای مدیریتی مرتبط به عنوان چهارمین محور تحقیق و تفحص اعلام شده است. در پنجمین محور آمده است: ابهام در سیستم ارسال نمونه‌های دوپینگ اسب‌های ورزشی به خارج از کشور در حالی که در آزمایشگاه‌های داخلی کاملاً قابل انجام است و ششمین محور تحقیق و تفحص ابهام در نصب میکروچیپ‌های از رده خارج و بدون مجوز و با قیمت بسیار بالا و توزیع به صورت کاملاً انحصاری است.

وسعت عجیب و بلاتکلیفی محض

در فدراسیون سوارکاری

فدراسیون سوارکاری در وضعیت عجیبی به سر می‌برد و تا تعیین تکلیف تحقیق و تفحص، سایه برخی اتهامات و ایرادات بر سر این فدراسیون سنگینی خواهد کرد و علاوه بر این سکوت وزارت ورزش و جوانان موجب شده است تا تکلیف انتخابات این فدراسیون کماکان نامشخص باشد و معلوم نیست که چه سرنوشتی در انتظار کرسی ریاست این فدراسیون خواهد بود!

حاشیه

یک ابهام بزرگ؛

چرا یک مرد جایگزین خادم الشریعه در تیم شطرنج زنان شد؟

«ایرنا» نوشت: تیم شطرنج زنان ایران با ترکیب مبینا علی‌نساب، انوشه مهدیانی، سحر معصومی، آناهیتا زاهدی‌فر و میترا اصغرزاده به المپیک جهانی شطرنج در هند اعزام شده است. جعفر امین‌زاده نیز به عنوان کاپیتان تیم در کنار دختران ایرانی حضور دارد. تیم شطرنج دختران ایران برای حضور در المپیک جهانی هند شده که غیبت نفر نخست شطرنج زنان یکی از بارزترین نکات آن است. سارا خادم‌الشریعه که به تازگی فرزند خود را به دنیا آورده است موقتاً از شطرنج کناره‌گیری کرده، به هند نرفته است. غیبت وی علامت سوال زیادی را پیش روی کارشناسان قرار داده است. نابغه شطرنج زنان ایران با وجود خداحافظی موقت از تیم ملی، اوایل تیرماه به فرانسه سفر کرد تا در رقابت‌های باشگاهی این کشور حضور یابد. سفر وی به فرانسه و غیبت او در المپیک جهانی این شائبه را تقویت کرده که حضور نیافتن وی ناشی از اختلاف کهنه با فدراسیون است، حال فدراسیون و خادم‌الشریعه باید پاسخگو باشند که غیبت نفر نخست شطرنج ایران ناشی از اختلاف است یا وی ترجیح می‌دهد که تا زمان نامشخص یک مادر قهرمان باشد. اما تنها غیبت نفر نخست شطرنج زنان نکته اعزام تیم به المپیک جهانی نیست بلکه در راس تیم زنان یک شطرنج باز ناشناخته آقا به عنوان کاپیتان حضور دارد. حضوری که تعجب اهالی این رشته را برانگیخته است. «جعفر امین‌زاده» که اکنون کاپیتان تیم به شمار می‌رود چهره شناخته شده در شطرنج ایران به شمار نمی‌رود و هنوز فدراسیون در خصوص انتخاب وی شفاف‌سازی لازم را انجام ندهاده است.

دریچه

فاجعه در ترکیه؛

علت درگیری الهامی و مطهری در ترکیه چه بود؟

درگیری سرمربیان نساجی و هوادار در ترکیه حواشی زیادی را در پی داشت. اعضای تیم فوتبال نساجی این روزها در اردوی ترکیه به سر می‌برند. آن‌ها در هتلی اسکان دارند که چند تیم دیگر از جمله هوادار، تیم جدید ساکت الهامی، سرمربی پیشین نساجی نیز در آن هتل حضور دارند. روز پنجشنبه اخباری مبنی بر درگیری ساکت الهامی و حمید مطهری سرمربیان دو تیم منتشر شد که اظهارنظرهای مختلفی در این رابطه مطرح شده است. اما اصل ماجرا به پزشک تیم هوادار که پیش از این با ساکت الهامی در نساجی همکاری می‌کرد، ربط پیدا می‌کند. پزشک پیشین تیم نساجی پس از این که با این تیم به توافق مالی نرسید به هوادار رفت. با توجه به این که او با هوادار به طور قطعی قرارداد نبسته بود، همچنان بحث بازگشتش به نساجی مطرح بود. باتوجه به هتل مشترک دو باشگاه نساجی و هوادار در ترکیه، گفته می‌شود یکی از اعضای تیم نساجی با این پزشک در خصوص بازگشتش به تیم پیشینش مذاکره کرد. پس از اطلاع ساکت الهامی از این ماجرا، سرمربی هوادار با حمید مطهری درگیری لفظی پیدا کرد و در ادامه این درگیری به زد و خورد کشیده شد. در این خصوص باشگاه هوادار روز جمعه بیانیهای صادر کرد و از سرمربی خود دفاع کرد. باشگاه نساجی نیز در این رابطه درباره ساکت الهامی و حواشی پیرامون این مربی بیانیهای صادر کرد و اعلام کرد از الهامی و دستیارش عادل باباپور شکایت می‌کند.

حرف آخر

سناریوی مضحک؛

«تاج» و قلبی که در سودای ریاست مجدد، شفا یافت!

میلیون و هفتصد هزار یورو از جیب مردم تحت فشارهای اقتصادی کمرشکن، نصیب شیادان فرصت‌طلبی چون مارک ویلموتس نگردد؟

۶- آقای تاج اصلا به چه دلیل و انگیزه ای، سودای ریاست مجدد فدراسیون در شما فوران پیدا کرده است؟ به قول مجتبی جباری: «آمده‌ای مشکلات مهدی تاج را حل کنی؟!» یا به قول واعظ آشتیانی: «تحصیلات و تحقیقات جدیدی در مدیریت فوتبال را پشت سر گذرانده‌ای؟!»



دولتی وقت برای تغییر و تعیین سرمربی تیم ملی را دادید و پس از چند سال، اکنون از نقش آنها رازگشایی می‌کنید؟
۴- اگر دخالت و تصمیم آنها غلط بود باید به‌عنوان رییس فدراسیون فوتبال جلوی آن می‌ایستادید و اگر تصمیم آنها درست بوده است که به همراهی رضایت داده‌اید؛ امروز باید متحمل عوارض ناشی از آن باشید، حتی اگر محاکمه‌ای به دلیل روابط-دامنگیرتان نشود؛ لیاقت و کفایت حضور مجدد در مسند ریاست فوتبال کشور را ندارید!
۵- چه تضمینی وجود دارد که بار دیگر چنین قرارداد خفت‌باری توسط شما به کشور و فوتبال ایران تحمیل نگردد و قریب ۵

فدراسیون وقت معرفی کرده‌اند؛ مقصر و سزاوار برخورد دانست! در رابطه با این اظهار نظر ایشان ذکر چند نکته الزامی است:
۱- حرف ایشان کاملا بجاست؛ کلیه عوامل تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز در قرارداد ویلموتس، بدون اغماض سزاوار برخورد و استیفای حقوق عمومی ملت و کشور هستند.
۲- رییس وقت فدراسیون فوتبال به‌عنوان بالاترین مقام فوتبال کشور که به توصیه یا فشار مقامات بالاتر اما نه ذی‌صلاح، تن داده است؛ همچنان متهم ردیف اول است!
۳- شما که همواره منتقدین و مخالفین را با حره تبلیغ از جانب فیفا ساکت می‌کردید چرا اجازه دخالت به مقامات

رسوایی قرارداد ننگین با «مارک ویلموتس» و تبعات زیان‌بار آن عنوان کردن عارضه قلبی از ریاست فدراسیون فوتبال استعفا کرد. اکنون اما تاج آمده است تا لاید تتمه سلامت قلب خود را وقف خدمت به فوتبال ایران کند... و از این مضحک‌تر سناریویی می‌توان متصور شد!
در حالی که پاسخوگی و محاکمه وی و همدستانان در قبال

عبدالله دارابی

اگر دخالت و تصمیم آنها غلط بود باید به‌عنوان رییس فدراسیون فوتبال جلوی آن می‌ایستادید و اگر تصمیم آنها درست بوده است که به همراهی رضایت داده‌اید؛ امروز باید متحمل عوارض ناشی از آن باشید، حتی اگر محاکمه‌ای -به دلیل روابط- دامنگیرتان نشود؛ لیاقت و کفایت حضور مجدد در مسند ریاست فوتبال کشور را ندارید!

تضییع حقوق و اموال عمومی، انتظار به حق افکار عمومی است که متاسفانه به محاق رفت؛ تایید صلاحیت وی نیز به خاطر آن قرارداد مملو از خسران برای کشور، محل تردید، تعجب و سوالات فراوانی است! اما مهدی تاج در جدیدترین اظهار نظر، کسانی که ویلموتس را جهت هدایت تیم ملی به

چه تضمینی وجود دارد که بار دیگر چنین قرارداد خفت‌باری توسط شما به کشور و فوتبال ایران تحمیل نگردد و قریب ۵ میلیون و هفتصد هزار یورو از جیب مردم تحت فشارهای اقتصادی کمرشکن، نصیب شیادان فرصت‌طلبی چون مارک ویلموتس نگردد؟

... و این نقص بزرگ در کشور ما پابرجا است که روابط و ملاحظات، حاشیه امنی برای مدیران متخلف می‌سازد که بجای پاسخوگی و محاکمه، مجدداً و با اطمینان، هوس بازگشت به ریاست را داشته باشند؛ آن‌قدر هم شیرین است که مشکلات قلبی در برابرش زانو می‌زنند!

نقل قول

آنهایی که می‌گویند از فساد نمی‌گذریم علیه ما در دادسرا شکایت کنند؛

تاج: حیا کردم و چیزی نگفتم اما «وزیر ورزش» ویلموتس را معرفی کرد!

هم باید پرداخت کنیم. الان هم می‌توانیم این پول را ندهیم و جریمه هم به آن تعلیق نمی‌گیرد چون می‌توانیم موضوع تحریم را مطرح کنیم. ما از فیفا طلبکاریم.
وی خاطرنشان کرد: اگر لوپتگی را هم می‌آوردیم می‌شدیم پرونده فساد لوپتگی یا هیرو. من قرارداد را منتشر می‌کنم و اگر حقوقی‌ها یک ایراد گرفتند قبول می‌کنم. از همین امروز پیشنهاد می‌کنم اگر کسی به فساد پی برد جای آن صدا و سیما نیست، دادسراست چون صدا و سیما و رسانه‌ها نمی‌توانند کسی را محکوم کنند. در کمیته اخلاق فیفا به ما براءت داده و ایران هم همین طور. کسانی که به خاطر پرونده ویلموتس ناراحت هستند به دادسرا شکایت کنند چون همه ما ۸ عضو هیات رئیسه آن را امضا کرده و پای آن ایستاده‌ایم. این را برای کسانی می‌گویم که می‌گویند نمی‌توانند از خون شهدا و فساد بگذرند!
تاج درباره حضور در انتخابات و برنامه‌هایش، خاطرنشان کرد: من شنیدم نامه‌ایم آمده و باید با مجلس تعامل داشته باشیم، بدون تعامل با دولت هم نمی‌شود فوتبال را اداره کرد. باید مشکل را حل کنیم تا اساسنامه تصویب شود. بحث استقلال و پرسپولیس هم مطرح است و آنها از لیگ قهرمانان حذف شدند. ای اف سی به ما اعتماد کرده اما ما این اعتماد را از بین بردیم.
وی در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه اگر به عقب برگردید دوباره ویلموتس را انتخاب می‌کنید، اظهار داشت: خیر! ما من کسانی را می‌آوریم که ما را ۲ بار به جام جهانی برده‌اند. من تایید می‌کنم که ویلموتس گزینه خوبی نبود.
تاج درباره اینکه آیا منظور کارلوس کی‌روش است، گفت: منظور مدل کی‌روش است ولی بلی می‌تواند خود کی‌روش هم باشد.
تاج درباره اینکه آیا اگر بباید اسکوپچ را نگه می‌دارید، یادآور شد: اسکوپچ مربی خوبی است و من تا به حال او را ندیدم. تیم ملی شرایط بسیار سختی دارد.

بدهید. فیفا گفت به خاطر تشدیدات آمریکا نمی‌تواند یک ریال پرداخت کنند.
تاج در مورد اینکه گفته می‌شود هیات رئیسه و کمیته فنی با قرارداد ویلموتس موافقت نکرده بود، عنوان کرد: رییس کمیته فنی معتقد بود استفاده از مربی بلژیک می‌تواند برای ما خوب باشد و نظر آنها مثبت بود. آن زمان آقای ساکت، خانم صوفی‌زاده، شیرینی و ... بودند. نامه دیگری هم از هیات رئیسه داشتیم و همه دوباره امضا کردند با علم به اینکه شرایط را می‌دانند.
رییس سابق فدراسیون فوتبال با اشاره به اینکه من از همین جا دعوت می‌کنم کسانی که از فساد در پرونده ویلموتس اطلاع دارند صحبت کنند، تصریح کرد: من برای معاون وزیر متاسفم و اگر کسی نامه زده است که من محاکمه شوم، این نامه را باید برای کسی بزنم که ویلموتس را به من معرفی کرده است. آن زمان که ما ویلموتس را انتخاب کردیم، او مربی نهم دنیا بود و کی‌روش مربی هجدهم دنیا و ما در هشت سال با کی‌روش به دو جام جهانی رفتیم که ۲۲ میلیون سود کردیم. حالا جالب است که پول مارک ویلموتس را تقسیم بر نان مردم، لاستیک ماشین و ... می‌کنند. معاون محترم وزیر که نامه زده است، کاش قبل از نامه زدن به سوابق مراجعه می‌کرد که اصلاً چرا ویلموتس آمد و آن موقع به نامه‌ای می‌رسیدند که وزیر ورزش او را معرفی کرده بود. من حیا داشتم و دو سه سال سکوت کردم و چیزی نگفتم. تاج یادآور شد: زمانی که به دادسرا معرفی شدیم فیفا نامه زد و گفت شنیده‌ام هیات رئیسه فدراسیون فوتبال ۸ نفر به دادسرا معرفی کرده‌اند و اگر درست باشد فوتبال ایران را تعلیق می‌کنیم. اگر آن موقع می‌گفتم به ویلموتس پول نداریم بدهیم همان را در پرونده می‌گذاشتند. ۲ ماه اگر کسی پول نگذرد می‌تواند فسخ کند. ما ۲۲ میلیون دلار قرارداد داشتیم اما حالا جریمه را

وی افزود: زمانی که ویلموتس با ما قرارداد بست قبلاً سرمربی بلژیک بود و موفقیت‌ها و عدم موفقیت‌هایی هم داشت. او ۲۰۱۶ قرارداد بسته بود با مبلغ ۱/۲ میلیون یورو و ما ۲۰۱۹ با ۲/۲ میلیون یورو قرارداد بستیم. اعلام کردند شما پول نداشتید چرا با مربی خارجی قرارداد بستید؟ همان زمان با تحریم‌هایی که داشتیم و ترامپ رییس‌جمهور آمریکا شد همه چیز تشدید شد. ما زمان کی‌روش رییس‌جمهور آمریکا شد همه چیز تشدید شد. ما زمان رییس سابق فدراسیون فوتبال با اشاره به نامه‌های نوشته شده برای قرارداد با ویلموتس از محل شستا، گفت: آقای سلطانی فر و رییس جمهور با درخواست ما برای قرض ۲ میلیون یورو و اینکه ۱۰ میلیون دلار از فیفا طلب داریم موافقت کردند و قرار شد مبلغی را قرض بگیریم. ما به بانک مرکزی، مدیرعامل گل‌گهر و ... مذاکره کردیم. همه اینها به شورای امنیت ملی رفت و قرار شد این پول را قرض بگیریم تا از محل طلب فیفا پرداخت شود.
وی با بیان طولانی شدن پرداخت قرارداد ویلموتس، تصریح کرد: جان کلینر مسئول اصلی حقوقی فیفاست که آن زمان مسئول پرونده ویلموتس بود. من خودم بارها به فیفا و ای اف سی نامه زده بودم اما آنها گفته بودند به خاطر تحریم‌ها نمی‌توانند به ما پول بدهند. همه مسئولان کشور هم در جریان پرداخت بود به ویلموتس به خاطر تحریم‌ها بودند. ۱۱ نامه به فیفا و ۹ نامه به ای اف سی زدیم که پول ویلموتس را

«مهدی تاج» در خصوص انتخابات فدراسیون فوتبال و پرونده مارک ویلموتس، عنوان کرد: «بیشتر از کاندیداتوری دوست دارم درباره پرونده ویلموتس صحبت کنم چون حق مردم است در این خصوص بپردازند اما سکوت ۳ ساله‌ای داشتیم. سکوت من در این خصوص این بود تا روز چهارشنبه وقتی رای آمد باید سکوت می‌کردم چون هر چه می‌گفتم مورد بهره‌برداری و کلای او قرار می‌گرفت. یک نفر ۳۳۳ بار درباره ویلموتس صحبت کرده و اینکه ترکمنچای بوده و مسائل دیگر. منافع ملی ایجاب می‌کرد سکوت کنیم حالا امروز در اولین فرصت است صحبت کنم.»
رییس سابق فدراسیون فوتبال افزود: «ما دوران خوبی در فدراسیون و تیم‌های ملی فوتبال داشتیم. زمانی که می‌خواستیم ویلموتس را بیاوریم کی‌روش سرمربی بود. اظهار نظر متفاوتی وجود داشت. برنامه ۹۰ آن زمان پیامکی گذاشت شما با چه مربی موافقت می‌کنید؟ داخلی یا خارجی که اکثریت گفتند خارجی. آن زمان یکی از گزینه‌های ما لوپتگی بود که جلاستانی با او و با حضور سفیر داشتیم. نمی‌دانم چرا یک دفعه نظرش برگشت اما مساله بیماری پدرش را مطرح کرد و گفت سرطان دارد و نمی‌تواند به ایران بیاید.»
تاج گفت: وقتی با لوپتگی قرارداد منتهی شد و وقتی مبلغ را هم گفت به این نظر رسیدیم که نمی‌شود، به سراغ رنار رفتیم. آقای ترابیان با او صحبت کرد و قرار شد رنار به ایران بیاید اما بعد از جام ملت‌های آفریقا. او گفته بود شهربوری می‌آید و ما آن زمان دیدار دوستانه داشتیم به این نتیجه رسیدیم از این گزینه بگذریم. سفیر ما با سرمربی اسلواکی صحبت کرد و گفته بود نمی‌تواند بیاید. در نهایت به سراغ ویلموتس رفتیم.

